



د افغانستان بانک  
(بانک مرکزی)

BANK

بانک

د افغانستان بانک خپرونه



ذخایر ارزی افغانستان به پنج میلیارد دالر رسید

د افغانستان بانک قانون د شپږمې مادې له مخې  
د افغانستان بانک د پریکړو او سیاست جوړونې تر  
ټولو لویه مرجع د افغانستان بانک عالی شورا ده.  
د افغانستان بانک عالی شورا اوه غړی لري چې  
د ولسمشر لخوا مقرریری.  
د دي شورا مشري د افغانستان بانک د ټولو رییس  
او مرستیالی یې د افغانستان بانک د لومړي  
مرستیال پر غاړه ده.



# د دې ګڼې مطالب

د افغانستان بانک به زودی با بانک تجارت و توسعه ...

نګاهې بر یازدهمین نشست سران سازمان ایکو

جلالتماب محترم رئیس جمهوری اسلامی افغانستان ...

نمایندگیهای د افغانستان بانک با شبکه فایبر ...

د افغانستان بانک قانون

د افغانستان طبیعی زیرمی

فقر چیست؟

سوداګری او ترانزیټ د یو هیواد اقتصاد ...

ویژګی های اقتصاد جدید

د مضاربت پیژندنه

فرق بین اقتصاد مالی دولت و اقتصاد مالی خصوصی

د افغانستان اقتصادي ستونزې

**BANK** بانک

صاحب امتیاز: د افغانستان بانک

تحت نظر هیئت تحریر: عتیق الله نوشیر- محمد قسیم رحیمی - محمد اسحق علوی - رایت علمیار

مدیر مسوول: محمد کبیر کاووسی

گزارشگران: عبداللطیف بایانی و عبدالحفیظ شاهین

دیزاین: عبدالقیوم رووف ارغند

فوتو راپورتر: زیرک ملیا

همکار تخنیکي: یما عقیف

ترجمه: شفیق الله بارز و عین الله عیان

آدرس د افغانستان بانک

آمریت عمومی اسناد و ارتباط

تلیفون: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۳۸۱۵ / ۲۱۰۴۷۶۱

فکس: ۰۰۹۳۲۰۲۱۰۰۳۰۵

پست الکترونیکی: magazine@centralbank.gov.af

صفحه الکترونیکی: www.centralbank.gov.af

## تدابیر و میکانیزم های مقتضی

### جهت ثبات نرخ تورم

یکی از وظایف اساسی د افغانستان بانک پایین نگهداشتن نرخ تورم میباشد. تورم چالشی است که در گذشته اکثراً در کشور ما در سطح بالا قرار داشته اما در این دو سه سال اخیر بانک مرکزی تورم را کاملاً تحت تسلط قرار داده و برای نخستین بار در جریان سی - چهل سال گذشته آنرا در پایین ترین نرخ قرار داده است.

اما درین چند روز اخیر سطح تورم در کشور از مرز ۱۲ در صد گذشته است که علل آن را افزایش در قیمت مواد سوخت، سرا زیر شدن سیلابها، بلند رفتن سطح تورم در کشور های همسایه، توقف تانکر های مواد نفتی در مرز های کشور ایران و افزایش واردات تشکیل میدهد.

چون در افغانستان تولیدات کافی وجود ندارد، ازینرو د افغانستان بانک برای ثابت نگهداشتن ارزش افغانی به لیلام ارز های خارجی مبادرت می ورزد. بر اساس استراتیژی دراز مدت برای بانک مرکزی به نظر د افغانستان بانک موجودیت پنج تا شش فیصد تورم چندان مشکل زا نیست چون سازگار با وضعیت اقتصادی کشور میباشد.

از سوی دیگر اقتصاد افغانستان چون هنوز هم متکی بر واردات است، تورم وارداتی وارد کشور ما میگردد، یکی از ابزار و وسایل دستداشته درین رابطه کنترل پول در جریان است که د افغانستان تلاش دارد تا با استفاده ازین ابزار تا اندازه یی بتواند جلو تورم وارداتی را بگیرد.

در سال گذشته تورم بخصوص تورم مواد منفی بود که تا مرز ۱۵ در صد میرسید.

د افغانستان بانک سعی میورزد تا با لیلام ارز ها و اوراق بهادار جلو افزایش تورم پولی را که در حال حاضر به بیش از دوازده در صد رسیده است، بگیرد.

بنابر دلایلی که از آن ذکر بعمل آمد و با درنظر داشت عوامل دیگر در کشور بروز تورم تا زمانیکه مشکلات فوق باقی بماند، مشکل تورم در کوتاه مدت حل نخواهد شد

د افغانستان بانک بحیث یگانه مسوول سیاست پولی در کشور میتواند از طریق یک سلسله تدابیر و میکانیزم های مقتضی جهت توازن و تعادل مقدار عرضه پول و تقاضا برای پول و ازین رهگذر ثبات سطح قیمت ها و کنترل نقدینگی (سیالیت) متناسب با رشد اقتصادی کشور را در دراز مدت بمیان آورد.

# ذخایر ارزی افغانستان به پنج میلیارد دالر رسید



های جهان اکنون به ۹۵۵ میلیون دالر میرسد. قیمت یک اونس طلا در سال ۲۰۰۲ کمتر از ۳۵۰ دالر بود، در حالیکه امروز قیمت هر اونس آن به ۱۴۰۲ دالر رسیده است. رئیس کل د افغانستان بانک در مورد میزان رشد اقتصادی گفت که د افغانستان بانک با در نظر داشت سکتور های گوناگون اقتصادی رشد اقتصادی افغانستان را در ابتداء سال ۱۱،۸۰ در صد تخمین کرده بود اما نظر به اینکه عدم رشد کافی سکتور زراعت نسبت به سال گذشته این تخمین در حال حاضر به ۸،۲۰ کاهش یافته است باید تذکر داد که رشد سکتور های دیگر اقتصادی قناعت بخش بوده است. محترم عبدالقدیر فطرت ضمن تماس به سطح تورم در کشور گفت که نرخ دراز

اقتصادی افغانستان صحبت نموده گفت: امروز به هموطنان عزیز مژده میدهم که ذخایر ارزی افغانستان به پنج میلیارد دالر امریکایی رسیده که یک رشد و پیشرفت بزرگ در تاریخ کشور ما محسوب میگردد، زیرا افغانستان در سال ۲۰۰۲ فقط ۲۴۵ میلیون دالر سپرده نزد بانکهای خارجی داشت و ارزش طلای کشور ما که در فدرال ریزرف بانک نیویارک نگهداری میشود در حدود ۲۴۴ میلیون دالر بود ولی امروز خوشبختانه ذخایر ارزی ما ۱۳ تا ۱۴ واردات افغانستان را تکافو میکند که نسبت به شماری از کشورهای منطقه در سطح بلند قرار دارد. نا گفته نگذارم که ارزش طلای افغانستان در سال ۲۰۰۲، ۲۴۴ میلیون دالر بود، بخاطر افزایش قیمت آن در بازار

روز چهارشنبه ۱۷ قوس سالروان طی محفلی در تالار کنفرانس های د افغانستان بانک با اشتراک محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل د افغانستان بانک، معاونین بانک مرکزی، رئیس اتحادیه بانکداران افغانستان، روسای بانکهای تجارتي، نماینده بانک جهانی، رئیس موسسه حرکت، مسوول پروژه استحکام مالی افغانستان، مسوولین انستیتوت مالی و بانکداری افغانستان، آمرین دیپارتمنت های د افغانستان بانک و نمایندگان رسانه های همگانی موافقتنامه همکاری بین انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان و انستیتوت منجمنت کشور بنگله دیش به امضا رسید. ابتداء محترم عبدالقدیر فطرت رئیس کل د افغانستان بانک در رابطه به اوضاع



مدت تورم قابل قبول برای بانک مرکزی کشور ۵-۶٪ می باشد ولی در طول دو سال اخیر یعنی از پایان ۲۰۰۸ الی اواسط ۲۰۱۰ تورم در افغانستان پائین بود و حتی در طول سال ۲۰۰۹ نرخ میان ۸-٪ الی ۱۴٪ قرار داشت. اما در ماه اخیر سال ۲۰۰۹ نرخ تورم از حالت منفی وارد حالت مثبت شد و در دو ماه آخر همین سال از مرز ۵-۶ در صد بالا رفت و نرخ تورم کلی به حدود ۱۱٪ رسید در حالیکه نرخ تورم مواد غذایی و سوخت در حدود ۱۰,۳٪ رسیده است.

آقای فطرت علت های متعددی را که باعث بلند رفتن نرخ تورم شده چنین برشمرد: گزارش ها نشان می دهد که قیمت مواد سوخت در بازار های جهانی افزایش یافته است و همزمان کاهش تولید گندم در روسیه و سیلاب های اخیر در پاکستان، معطل شدن کالاها بخصوص مواد زراعتی و غذایی در بندر کراچی پاکستان و بندر نیمروز، سبب افزایش قیمت های مواد سوخت و مواد غذایی شده است وی افزود که انتظار برده میشود که با باز شدن همین راه ها قیمت ها نیز کاهش یابد و گفت که توقع برده میشود تا پایان امسال تورم یا به همین سطح و یا هم بطور تدریجی بالا برود، ولی باید تذکر داد که در حال حاضر تورم در افغانستان نسبت به کشورهای همسایه در سطح پائین قرار دارد چون همین اکنون نیز تورم در کشورهای همسایه بیشتر از ۱۱٪ است.

رئیس گل د افغانستان بانک افزایش تورم را از نگرانی های بانک مرکزی دانست و افزود که د افغانستان بانک در تلاش است تا از طریق اجرای سیاست پولی از دیاد لیلام ارز های خارجی تا حد امکان میزان رشد عرضه پول را کنترل نماید و به این ترتیب از قیمت تورم وارداتی که از رهگذر کمبود غله و مواد سوخت داخل کشور ما شده جلوگیری گردد و سطح تورم بیش از این افزایش نیابد.

محترم عبدالقدیر فطرت پس از صحبت در باره آخرین تحولات اقتصادی کشور در رابطه به امضای تفاهم نامه با انستیتوت منجمت و بانکداری بنگله دیش گفت:



تعلیمی در انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان صحبت نموده وعده هر گونه همکاری را در زمینه ابراز داشت، موصوف همچنان گفت: ما بر اساس موافقت نامه یی که امروز به امضا میرسد انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان را به دو طریق نوشتاری و دیجیتال کمک خواهیم نمود که همه این تدابیر در خصوص تقویت سکتور مالی کشور افغانستان یک امر ضروری و مبرم بانکی پنداشته میشود.

در انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان در حال حاضر دو استاد خارجی و دو استاد داخلی مصروف تدریس میباشند که در بخش های مبارزه علیه تطهیر پول، تقویت منابع بشری، جلوگیری از خطرات مالی تدریس کنند و عنقریب برنامه آموزشی در بخش های بانکداری اسلامی نیز راه اندازی خواهد شد. ●

کمبود پرسونل مسلکی و ورزیده داخلی میباشد، حقیقتاً در سه سال گذشته تحت رهبری رئیس کل د افغانستان بانک قوانین و مقررات متعددی در بخش تنظیم فعالیت های بانک ها در کشور بوجود آمد که توانسته چوکات خوبی برای اصول بانکداری دقیق و سالم بوجود بیاورد، اما رعایت و تطبیق این قوانین فهم و دانش می خواهد، به هر اندازه که کارمندان نظام بانکداری از قوانین، اصول و موازین بانکداری آگاهی داشته باشند به همان اندازه از تخلف و تخطی از قوانین جلوگیری می شود و در نتیجه یک سیستم دقیق بانکی و مالی ایجاد میگردد.

متعاقباً آقای توفیق احمد چودری مدیر انستیتوت منجمت و بانکداری بنگله دیش در رابطه به همکاری های دایمی کشور شان بویژه در راستای پیشبرد بهتر نصاب

چندی قبل انستیتوت بانکداری افتتاح شد که در تأسیس آن بانک مرکزی افغانستان، اتحادیه بانکداران افغانستان، مسفا، بانک جهانی، بانک انکشاف آسیایی و موسسه حرکت نقش براننده داشتند درین اواخر خواستیم تا با یکی از انستیتوت های منطقه در زمینه همکاری با این انستیتوت به تفاهم برسیم و برای این موضوع در سطح جنوب آسیا داوطلبی صورت گرفت که انستیتوت منجمت و بانکداری بنگله دیش برنده آن شد و ما افتخار داریم که قرار داد آنرا همین حالا برای مدت سه سال آینده به امضا می رسانیم.

بر بنیاد این موافقتنامه انستیتوت منجمت و بانکداری کشور بنگله دیش در عرصه تهیه نصاب تعلیمی و تربیه کادر ها، انستیتوت بانکداری و مالی افغانستان را کمک خواهد کرد. انستیتوت منجمت و بانکداری بنگله دیش در سال ۱۹۷۴ تأسیس شده از بدو تأسیس تا کنون نزدیک به ۶۰ هزار تن را از طریق اجرای کورس های کوتاه مدت تربیه نموده و حدود ۵۰۰ نفر درجه ماستری را ازین انستیتوت بدست آورده اند. ما نیز امید وار هستیم که انستیتوت مالی و بانکداری افغانستان طی دو و یا سه سال آینده قادر به اعطای درجه ماستری و بانکداری گردد.

بعداً محترم خلیل صدیق رئیس اتحادیه بانکداران افغانستان روی مرفوع شدن مشکلات بانکها از لحاظ کادر مسلکی گفت: واقعاً پرابلم عمده در بانکهای کشور



## د افغانستان بانک قانون



۱- د احتیاطي مقرراتو رعایتول چې د هغه مطابق د بها لرونکو سندونو خدمتونه تر سره کېږي. د هغو مقرراتو په گډون چې د د افغانستان بانک د نظارت د آسانولو لپاره د بها لرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو او د هغه د مجریانو او د عامه شتمنیو د ساتنې لپاره چې د دې وړاندې کوونکو په امانت کې کېښودل شوي دي.

۲- د اشخاصو د بها لرونکو سندونو د لېږدولو د ټولو فرمایشاتو د تسوې د قطعیت او وروستني والي په هکله د دې قانون د اووه اويايمې مادې د حکم د تطبیقولو لپاره د زمينې برابرول (د اړخونو ترمنځ او د ټولو ثالثو اړخونو پر علیه). بانکونه له دې حکم څخه مستثنی دي.

۳- د بها لرونکو سندونو د لېږدونې په سیستم کې د گډون لپاره د شرایطو لرل. (۵) د دې مادې په (۴) فقره کې درج شوي شرایط او مقررات د بها لرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم یا د بها لرونکو سندونو د عاملینو یوه طبقه یا ډول د هغه د بلې طبقې یا ډول سره متفاوت کېدلی شي.

(۶) د د افغانستان بانک کولای شي د دې مادې په (فقره) کې د درج شوو دندو د ښه ترسره کولو لپاره لاندې اجرات او نور موارد چې ضروري وگڼل شي، ترسره کړي:

۱- د بها لرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم سازمانول، لوړول او اجراء کول او په هغه کې گډون کول.

۲- په خپلو دفترونو کې د بها لرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم د مجریانو او د بهالرونکو سندونو د خدمتونو د وړاندې کوونکو د تسویه یي حسابونو ساتل د هغه موافقتنامې د مقرراتو د شرایطو او ظوابطو مطابق چې د حساب لرونکو سره لاسلیک کېږي.

۳- د مربوطو مقرراتو مطابق د کافي رهن په بدل کې حساب لرونکو ته د اضافه برداشت د ورکولو لپاره د اسانتیاوو برابرول.

(۷) د د افغانستان بانک کولی شي د لاندې مواردو په هکله لازمي اسانتیاوې برابرې کړي:

۱- د د افغانستان بانک د بهالرونکو سندونو د تسوې د سیستمونو او د بهالرونکو سندونو د لېږدونې د نورو سیستمونو سره د متقابلو اړیکو تأمینول.

۲- په داخلي پیسو او اسعارو باندې د بها لرونکو سندونو د لېږدونې لپاره د نوو تگلارو او پرمختللي تکنالوژۍ رامنځته کول او هغه ته پراختیا ورکول.

۳- په هېواد کې د بها لرونکو سندونو د لېږدونې د سیستم د تدریجي ودې لپاره د دوام د اړه منظمو پلانونو طرح کول او تطبیقول.

(۸) د افغانستان بانک کولای شي چې د دولت یا د افغانستان بانک له خوا د بها لرونکو سندونو د صادره پور د لېږدونې او دفتر دارۍ د ساتنې او د بها لرونکو سندونو د پور د تسوې د معاملاتو او د هغه د لیلام د طرزالعمل او همدا راز د دلالتونو د مربوطو چارو د تنظیمولو لپاره مقررات وضع کړي. ●

# حریق پول های مندرس در زون شرق د افغانستان بانک



کنترول سربندلی ها پول مندرس جمع آوری شده را در کوره مخصوصی که به همین منظور در محوطه نمایندگی د افغانستان بانک در ننگرهار اعمار شده است، حریق نمودند. براساس اظهارات محترم امیرالدین عسکرزی معاون عملیات بانکی در امور نشر و مراقبت بانکوتها طبق تفصیل و انواعیه جدول ذیل.



به روز دوشنبه ۸ قوس سالروان هیئت متشکل از محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک، آمر عملیات بانکی، مسوول نشر و مراقبت بانکوتها، خزانه دار کُل و نمایندگان مجلسین شورای ملی، جهت حریق بانکوتهای مندرس به زون شرق د افغانستان بانک در ولایت ننگرهار سفر نمودند، این هیئت پس از شمارش بانکوتهای مندرس و

شماره	نوع بانکوت	تعداد بندل	تعداد قطعه	مبلغ هر نوع بانکوت
۱	پنجصد افغانیگی	۱۳ رر	-----	۶،۵۰۰،۰۰۰ رر
۲	صد افغانیگی	۷۳۶ رر	-----	۷۳،۶۰۰،۰۰۰ رر
۳	پنجاه افغانیگی	۹۹۵ رر	-----	۴۹،۷۵۰،۰۰۰ رر
۴	بیست افغانیگی	۲۴۲۵ رر	-----	۴۸،۵۰۰،۰۰۰ رر
۵	ده افغانیگی	۱۹۳۰ رر	-----	۱۹،۳۰۰،۰۰۰ رر
۶	جمعاً	۶۰۹۹ رر	-----	۱۹۷،۶۵۰،۰۰۰ رر



توجه می کنند و پیش از وقت معین استهلاک و مندرس میگردد، اگر مردم با دقت و شیوه خوب از آن استفاده بعمل آورند بانکونها زود تر مندرس نمی گردد و مدت بیشتر دوام خواهد آورد.

بعداً محترم گل آقا شیرزی والی ولایت ننگرهار پیرامون ترویج پول افغانی در آن ولایت صحبت نموده گفت: ما وعده میدهیم که باز هم در قسمت ترویج پول کشور خود در ولایت ننگرهار کار نموده و از هر گونه امکانات در مورد تبلیغ و ترویج آن استفاده نمائیم.

در اخیر محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک طی مصاحبه مطبوعاتی با ژورنالستان و نمایندگان تلویزیون ملی آن ولایت در رابطه به ترویج و حفظ و نگهداشت پول افغانی صحبت نموده توجه همگانی را در این عرصه معطوف نمود. ●

جمعاً مبلغ (یکصد و نود و هفت ملیون و ششصد و پنجاه هزار) افغانی بانکونتهای مندرس و نامناسب طی چهار روز تحت نظر هیئت حریق گردید.

همچنان هیئت متذکره در مدت اقامت شان در ولایت ننگرهار با محترم گل آقا شیرزی والی آن ولایت نیز ملاقات نموده در این ملاقات محترم الحاج محمد عیسی طراب معاون دوم د افغانستان بانک در رابطه به ترویج پول افغانی من حیث هویت ملی افغانان صحبت نموده و از تلاش های که مقامات این ولایت در این راستا به خرج داده اند قدردانی نمود و توجه مزید رهبری آن ولایت را در زمینه حفظ و نگهداشت واحد پول افغانی معطوف نمود.

محترم طراب گفت: بانکونتهای افغانی در مطابقت با معیار های بین المللی و مدرن عیار شده و مدت استهلاک معین دارد. متاسفانه هموطنان ما در حفظ و نگهداشت آن کمتر



# استخراج گاز شبرغان اثر گذار بر زندگی هر خانواده



مورد، تفاهمنامه سروی اقتصادی و تخنیکي به هدف تمديد پایپ لاین گاز به شهر کابل بین شاروالی کابل و شرکت بین المللی نفت در کابل به امضا رسید. خاطر نشان میگردد که با احداث این پروژه عمرانی در افغانستان کمک کننده در تحرک روند اقتصادی و سریع پیمودن مسیر پیشرفت، خواهد بود، زیرا از آلودگی بیش از حد محیط زیست میکاهد، انرژی کافی را در نهاد های تولیدی و اقتصادی، صحت به ویژه شفاخانه ها، کلینیک ها، ترانسپورت، زراعت و در کل همه عرصه های حیاتی می سپارد، چون

این رهگذر افغانستان و منطقه به سوی شکوفایی سوق گردیده و زمینه همکاری های منطقی را فراهم میسازد. طوریکه تعداد زیادی از معادن ما به منظور استخراج به داوطلبی گذاشته شده چون معادن مس عینک، آهن حاجیگک، ذغال سنگ وغیره و در این اواخر معدن گاز شبرغان که از مدت زیادی به اشکال مختلف با ظرفیت خیلی ناچیز استخراج می شد در هفته گذشته روی استخراج آن به ارزش چهار میلیارد دالر با کمپنی خارجی توافق صورت گرفت و روند انتقال آن به کابل ارزیابی گردید، در

بعد از سال ۱۳۸۱ افغانستان سیر پیشرفت و ترقی خود را آغاز نمود است، که این روند را در همه سکتور های حیاتی شاهد میباشیم از جمله معادن افغانستان که از سالهای متمادی بدینسو بدون استفاده قرار داشت باید گفت که کشور ما بنا بر موقعیت مناسب جغرافیایی، داشتن ذخایر زیر زمینی چون: طلا، لاجورد، زمرد، فیروزه، آهن، سرب و زغال سنگ که در جهان بی نظیر است و در حدود ۱۳ نوع زغال سنگ از معادن. استخراج میشود بستر خوبی برای سرمایه گذاری در خصوص استخراج معادن میباشد که از

انرژۍ می آفریند قطع جنگلات دیگر صورت نخواهد گرفت و بالای سرسبزی محیط تاثیر بسزایی خواهد گذاشت و ایجاد پارک های صنعتی را در مسیر انتقال پایپ لاین گاز فراهم خواهد ساخت.

آقای محمد یونس نواندیش شاروال کابل تفاهمنامه امضا شده را به ارزش ۴ میلیارد دالر خوانده ابراز امید واری میکند که با رسیدن گاز شبرغان به کابل نواحی مسکونی از مشکلات کمبود و نداشتن برق مردم این شهر رهایی یافته و از انرژۍ برق در ساحات دیگر استفاده بعمل خواهد آمد و از ملوث شدن محیط در شهر نیز تا حدی جلوگیری خواهد شد. برای محلاتی که در مسیر انتقال گاز قرار دارند گاز توزیع میشود، و کارگرانی که در این نهاد استخدام میگردند همه افغانی هستند و مواد مورد ضرورت آن هم از شرکت های افغانی خریداری خواهد شد. این مطلب خود بیانگر منافع اجتماعی و بلند رفتن سطح زندگی مردم است زیرا هزارها تن افغان دارای شغل شده و در

رابطه به ساحه کاری شان تخصص حاصل میکنند. طبق اظهار نماینده شرکت بین المللی گاز مراحل کاری انتقال گاز به پایتخت شامل دو بخش است، یکی اینکه انتقال گاز به کابل که درین ساحه تعداد زیادی از هموطنان ما مصروف کار می شوند و مرحله بعدی انتقال گاز شبرغان به ولایات جنوب و شرق افغانستان است که همدریف پایپ لاین های انتقال گاز از ترکمنستان به کشور های پاکستان و هند صورت می گیرد. در مرحله نخست این پروژه شش هزار تن افغان و در مرحله دومی ده هزار کارگر مشغول کار خواهد شد. کار این پروژه عنقریب آغاز خواهد یافت، طبق گفته مسوولین، گاز مذکور از پایپ لاین قابل استفاده بوده و در تصفیه خانه های معیاری تصفیه خواهد شد. همچنان امنیت پروژه مذکور بر علاوه حکومت به مردم قومی نیز سپرده خواهد شد. در نظر است تا یک دستگاه ۵۰۰ میگاوات برق حرارتی در ولایت پکتیا ایجاد شود که توسط گاز یاد شده فعالیت خواهد

نمود و سه ولایت همجوار را روشن خواهد ساخت و زمینه ایجاد پارک های صنعتی را در ولایت همجوار پکتیا فراهم خواهد ساخت، مردم این مناطق از این پروژه استفاده حیاتی خواهند نمود و از سهولت های زندگی بهرمنند میشوند.

ولایات سرحدی جایگاه خوبی برای سرمایه گذاری در عرصه های تولیدی می باشند.

باید گفت که افغانستان (در صورت تامین امنیت) بستر مناسبی برای سرمایه گذاری و توسعه اقتصادی است، زیرا موجودیت نیروی فراوان کار و نیاز مردم به عملی سازی پروژه های مورد ضرورت شان، این همه عواملی مهمی ست برای سرمایه گذاری در افغانستان، اما این ما مول زمانی میتواند برآورده گردد که دولت و نهاد های خصوصی در هماهنگی بیشتر، زمینه های سهولت برای سرمایه گذاری را در این کشور فراهم نمایند و از بروز موانع و مشکلات در برابر سرمایه گذاری ها جلوگیری نمایند. ●



# مالداري و اهميت اقتصادي آن

بناً بخاطر ازدياد عوايد منابع حيواني که جزء بقاء حیات انسانی و بهترین وسیله ترقی اقتصادی در کشور است تدابیر لازم اتخاذ گردد که از آن جمله محو کشت کوکنار، انکشاف زراعت، ایجاد کلینیک های زراعتی و مالداري و همچنان تربیه ترینران در مرکز و ولایات می باشد، زیرا کشت کوکنار تمامی مواد مفیدی را که برای زراعت ارزش دارد از بین می برد.

ایجاد کلینیک های حیوانی در مرکز و ولایات بخاطر از بین بردن امراض حیوانی ضروری است، زیرا بیماری های پا و دهن که یک مرض ساری، ویروسی و عفونی است از سالهای قبل در کشور موجود بوده که در اثر این بیماری تب و شاریدگی دهن، پا و پستان در حیوانات سم دار پیدا می شود و در یک مدت کم حیوانات را مصاب ساخته و تولیدات حیوانی را بسیار پائین میآورد زیرا حیوانات در اثر مبتلا شدن به این مرض از خوردن غذا و راه رفتن عاجز و بصورت دوامدار از حرکت می ماند، رفته رفته حیوان مصاب به این مرض ضعیف شده بالاخره تلف می گردد. ●

عبدالحفیظ شاهین

که هر بوجی آن ۴۵ کیلو گرام وزن دارد توسط کانتینر های مجهز با یخچال از پاکستان وارد افغانستان می گردد. علاوه بر آن هزاران بوجی ماهی بدون امکانات سردی یخچال به شکل غیر قانونی وارد افغانستان می گردد که در صورت ارتقاء ظرفیت تولیدات منابع حیوانی بر علاوه اینکه زمینه اشتغال برای تعداد کثیری از هموطنان ما ایجاد میشود با صادر شدن آن به ممالک خارجی میزان صادرات افزایش یافته و سبب افزایش ورود اسعار خارجی به کشور می گردد.

از طرف دیگر پرورش حیوانات بهترین منبع حاصل خیزی برای زمین های زراعتی می باشد، زیرا ارتقاء ظرفیت حاصلات زمین های زراعتی نتیجه حاصل خیزی خاک زمین های زراعتی می باشد. بر اساس اظهارات مسئولین زراعت کود حیوانی ۸۰٪ زمین زراعتی را حاصل خیز می سازد، زیرا یک تن کود حیوانی ۲۲۷ کیلو گرام مواد حیوانی، ۴،۵ کیلو گرام نایتروجن، ۴،۵ کیلو گرام پتاشیم و ۲،۲۷ کیلو گرام فاسفریک اسید دارد.

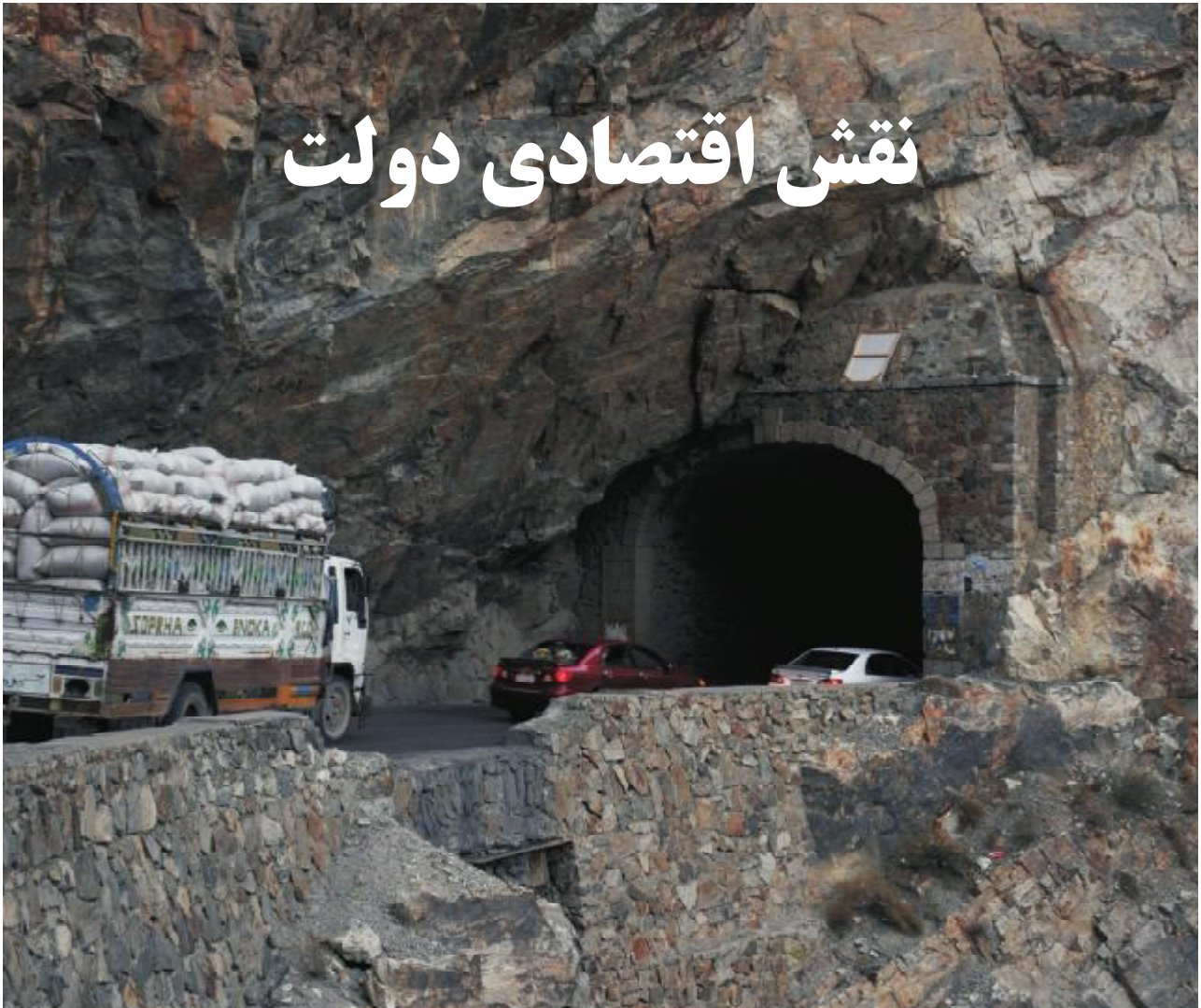
در کشور ما مالداري زمینه ساز قسمت عمده منابع غذایی و انکشاف یک تعداد صنایع تولیدی ماشینی و دستی بوده و قسمت عمده مواد غذایی مردم بر علاوه مواد نباتی به مواد حیوانی ارتباط تنگاتنگ داشته و مواد اولیه و خام یک تعداد صنایع دستی نیز وابسته به منابع حیوانی است.

رشد و ارتقاء ظرفیت تربیه حیوانات که باعث افزایش مواد حیوانی میگردد در حیات روزمره مردم ما اهمیت بسزایی دارد، مانند: گوشت، لبنیات، تخم، عسل و غیره که نمی توان اقلام فوق را از فهرست غذایی یومیه مردم مجزا ساخت زیرا در صورت عدم موجودیت منابع حیوانی در جدول غذایی، حیات مردم به خطر مواجه و ممکن به امراض گوناگون و حتی به سوء تغذی مبتلا شوند.

پس باید گفت که بر علاوه زراعت، پرورش حیوانات با زندگی مردم در کشور پیوند نا گسستی دارد زیرا بر علاوه استفاده از منابع حیوانی در نظام غذایی در بخشی از صنایع دستی و ماشینی بهترین وسیله برای ساختن انواع لباس ها که از پوست، پشم، پر و ابریشم ساخته می شود محسوب می گردد، مناسب ترین وسیله انکشاف صادرات، نیروی کار و منبع حاصل خیزی برای زمین های زراعتی نیز محسوب می گردد.

اگر مالداري در کشور رشد داده شود از وارد شدن انواع گوشت مانند گوشت گاو، گوساله، گوسفند، مرغ، ماهی و تخم مرغ، انواع لبنیات و عسل که عنصر مهم غذایی مردم ما می باشد و هزینه هنگفتی که بخاطر وارد کردن اقلام فوق از کشور های خارجی ضرورت است، جلوگیری بعمل می آید، تنها بر اساس اظهار ماهی فروشان در هر شش ماه ۱۳۰ هزار بوجی ماهی





# نقش اقتصادی دولت

هریک، به نظام فرهنگی، سیاسی و اقتصادی هر جامعه بستگی دارد؛ یعنی دولتها با دلایل گوناگون اعتقادی و سیاسی شکل میگیرند و از جنبه اقتصادی، دخالت شان تابع همان دلایل و در عین حال، تابع واقعیت های موجود است؛ چنانچه دولت های سوسیالیستی (Socialism) تمامی انتخابهای اصلی در تولید و توزیع را در دست نظام اداری قرار میدهند مانند: کیوبا، کوریای شمالی و تا اندازه چین و دولتهای سرمایه داری (Capitalism) مانند:

نا مرئی اتکا نمیکند؛ چرا که اقتصاد بازار در هر صورت نمیتواند به تنهایی کارایی اقتصادی، عدالت اجتماعی و بهبود ارزشهای انسانی را تأمین کند. به همین دلیل هیچ دولتی در هر نقطه عالم، هر قدر که محافظه کار باشد، دست خود را از اقتصاد کوتاه نمی سازد. برای وضاحت موضوع بجاست تا وظایف دولت را در قبال جامعه که خود زمینه ایست برای توسعه اقتصادی و رفاه جامعه به بحث بگیریم. البته تنوع نقش های دولت و میزان اهمیت

چنانچه میدانیم در یک نظام بازار در صورت موجودیت رقابت در بازار و بدون مداخله دولت، دست نا مرئی منافع، فرد و اجتماع را با یکدیگر هماهنگ نموده و منافع اجتماعی را به حد اکثر میرساند. با وجود مزیت های زیادی که این نوع سیستم اقتصادی بهمراه دارد، مدعیان آن خود پذیرفته اند که این دست نا مرئی همیشه کار نکرده و بازار در مواردی شکست میخورد. اگر در جهان واقعی نظر بیاندازیم هیچ اقتصادی بطور کامل به کارکرد دست



عبدالمتین غفوری تحلیلگر ارشد سکتور خارجي

تمامی ملک را مالک هستند. این ملکیت قابل افراز و تفکیک نیست و هر عضو گروه میتواند از منافع آن دارایی بهره مند شود ولی نمیتواند حق خویش را به عضو دیگر گروه واگذارد، چرا که آن عضو کاملاً به اندازه اولی حق بهره برداری دارد و نیازی به آن کار دیده نمی شود. منابع طبیعی مثل جنگلات، علفچرها، معادن، منابع زیر زمینی وغیره از جمله ملکیت عامه است یگانه مرجعی که این ملکیت را نگرانی و از آن حراست مینماید دولت است.

کالای عمومی: کالای عمومی دارای ویژگی های استثنا ناپذیر و رقابت ناپذیر است. استثنا ناپذیری به معنی آنست که پس از عرضه کالای عمومی نمیتوان هیچکس را از مصرف آن مستثنی ساخت. رقابت ناپذیری هم به معنی آنست که پس از عرضه مصرف یک فرد از آن کالا، مصرف دیگران را از آن کالا کاهش نخواهد داد امنیت، زیرساخت ها، خدمات شهری و غیره از جمله کالای عمومی اند. •

صورت حکمفرما بودن امنیت و ثبات در جامعه ضرورت به عرضه بیشتر محسوس میگردد که این حالت موجب اشتغال زایی شده و ناگزیر باید سطح تولید ناخالص داخلی یا GDP بالا برود که این خود یکی از مشخصه ها و عوامل عمده رشد اقتصادی بشمار میرود.

#### نقش ثبات بخشی

سیاستگذاری کاری شبیه قانونگذاری است با این تفاوت که قانونگذاری حاصل روند طولانی تر در بخش عمومی و معمولاً کار مشترک قوای اجرائیه و مقننه است اما در هدف کمی متفاوت است و آن اینکه معمولاً سیاستگذاری در روند کوتاه تر و بدست قوه اجرائیه (حکومت) صورت میگیرد و عمر اینگونه مقررات معمولاً کمتر از قوانین است. بطور مثال رفع مشکل بیکاری، ثبات قیمتها، تعدیل تعرفه ها و نرخ اسعار، تغییر مصارف کل دولتی یا مالیات ها از طریق طرح پالیسی های اقتصادی و اجتماعی برای بهبود وضعیت مردم همه از جمله وظایف اساسی دولت میباشد.

#### نقش تخصیصی

دولت در موارد متعدد در تخصیص منابع نقش بازی میکند زیرا در این مورد فرد یا بازار ناتوان از تخصیص مطلوب عوامل تولید است این موارد را میتوان در ساحات آتی به بررسی گرفت:

مالکیت عامه: دارایی های عامه به دارایی هایی گفته میشود که اعضای یک گروه از جامعه یا مجموع جامعه به شکل مشترک

کشورهای غربی نقش کمتری برای مداخله دولت در امور اقتصادی قایل هستند. دولت گاهی کارگردان است و گاهی بازیگر و در بسیاری مواقع، هر وظیفه را بر عهده میگیرد که اینک بعضی از نقش های مهم دولت را بررسی میکنیم.

#### نقش قانونگذاری

مهمترین عامل فعالیت های سالم اقتصادی، بستر حقوقی است که در آن حقوق مالکیت و طرز العمل این حقوق تعیین میشود. وقتی فردی کالایی را مصرف میکند، این کار وی به سبب حق تصرف در مالکیت است. همین طور، وقتی آن کالا را با کالای دیگری مبادله میکند، در واقع حق مالکیت و بهره برداری خویش را مبادله میکند. حق مالکیت، قدرت قانونی استفاده از یک ملک یا مال یا منافع آن است. تعیین همین قانون قطعاً بر عهده فرد نیست و سازوکار بازار، بدون مجموعه یی از مناسبات قانونی از پیش معین شده، ممکن نیست. قوانین ضد انحصار، قوانین حفظ محیط زیست، تعیین استانداردها در تولید و مصرف اجناس، تعیین شرایط حفظ الصحه و شرایط کار، قوانین مالک و مستأجر، قوانین بانکی و اعتباری وغیره را میتوان نام برد.

البته علاوه بر تعیین بسترهای اولیه مثل قانونگذاری برای حقوق مالکیت، دولت یگانه مسئول تأمین نظم و امنیت مالی و جانی جامعه است اهمیت و موجودیت آن به مفهوم واقعی در یک جامعه باعث رشد مناسبات تولیدی و اقتصاد میگردد. در

# انرژی برق ضرورت اساسی زندگی

محمد کبیر کاووسی

مردم برخوردار است و بند های تولید برق کجکی، سلما و... نیز کم و بیش انرژی برق تولید می کنند. انرژی برق بعد از تولید در یک مرکز عمومی جمع شده و بعداً به شبکه های مختلف تقسیم و توزیع میگردد. بند های تولید برق ماهیپر، سروبی و درونته که انرژی برق شهر کابل را تأمین مینماید در گذشته ها خوب و قناعت بخش بود چون در آن روزگار، تجمع نفوس در شهر کابل بسیار کمتر از امروز بود. بسان دیگر عرصه ها انرژی برق نیز بسیار نورمال مورد استفاده شهریان کابل قرار میگرفت که از آن در قسمت تسخین، تنویر و رفع سردی فصل زمستان استفاده بعمل می آمد.

انسانی ثروت یک کشور را تشکیل میدهد. این نیرویی است که چرخهای تکنالوژی و اقتصادی یک کشور را بحرکت در می آورد، اگر از زراعت یاد آوری کنیم و اگر از صنعت دم زنی، تمام اینها به برق و انرژی ناشی از آن نیاز اساسی و تعیین کننده دارند. تمام آن موارد اعم از زراعت، صنعت، فعالیت کارخانجات تولیدی، فابریکه ها، مراکز تولیدی و حتی زندگی عادی مردم نیازمند این پدیده موثر و معجزه آسا میباشد. انرژی برق در افغانستان کدام پدیده نا شناخته نیست، همه کم و بیش به ارزش و مزایای آن پی برده اند بند های تولید برق ماهیپر، سروبی و درونته از شهرت بیشتر نزد

انرژی برق یکی از اساسی ترین و مبرمترین عامل، در توسعه و انکشاف صنایع و پیشرفت اقتصادی یک کشور محسوب می گردد. هر آنچه که در سیر تکاملی و تمدن یک جامعه نقش دارد، منوط و مربوط میشود به موجودیت و توسعه شبکه برق و انرژی برق که بدون آن انکشاف صنعت و رشد اقتصادی در یک جامعه محال است. موضوعی که در این راستا حایز اهمیت فراوان است، نیروی انسانی و منابع بشری است، که با مهارت و توانایی های خویش، امکانات و زمینه های پیشرفت یک کشور را فراهم میسازند که در قدم اول نیروی



با رونما شدن مشکلات و پیامد های منفی ناشی از آن در افغانستان و خصوصاً شهر کابل، در سیستم برق رسانی شهر کابل نیز مشکلات، سکتگی ها و بی برقی ها آغاز شد که در گذشته های نه چندان دور شهریان کابل حدود سه سال متوالی از نعمت انرژی برق محروم گردیده و در ولایات کشور نیز محلات خاص از روشنی برق برخوردار بودند این حالت همینطور بعد از وقفه تقریباً سه ساله قسماً تغییر یافت و بعضی مناطق شهر کابل که حاکمیت دولتی در آن تأمین بود از روشنایی برق باز هم مستفید شدند.

بعد از تحول سال ۱۳۸۱ که جنبش و فعالیت در همه عرصه ها پدیدار شد، در عرصه انرژی برق نیز فعالیت هایی آغاز گردید اگر چه ظاهراً کدام کار اساسی و بنیادی درین بخش انجام نیافته اما بر اساس اظهار مقامات وزارت انرژی و آب کار هایی زیادی درین راستا صورت گرفته از جمله: کار ترمیماتی بالای دستگاه های تولید انرژی برق یاد شده که باعث ارتقای ظرفیت تولیدی آنها شده، انجام یافته از جمله: بند برق ماهییر کاملاً باز سازی شده و تا بیست و پنج سال دیگر عمر تخنیکی آن ادامه خواهد داشت، بند سروبی هم ظرفیت تولیدی آن ارتقاء یافته و بند برق نغلو که حدود صد میگاوات برق تولید می کرد. در آزمان ظرفیت تولید حتی یک میگاوات

برق را نیز نداشت و دستگاه حرارتی شمال غرب بعداً هم به بهره برداری سپرده شد. از سوی دیگر ساحات دیگر شهر کابل که از نعمت برق از سالهای گذشته محروم بود، کیبل ها، ترانسفارمر و دیگر وسایل آن بغارت رفته بود، دوباره اکمال و نصب و تمدید گردید و برق به آن مناطق جریان پیدا کرد که میتوان به عنوان مثال از غرب کابل یاد آوری کرد.

برای تکمیل ضرورت برق مورد ضرورت شهر کابل با کشور ازبکستان قرار داد صورت گرفته که از طریق بندر حیرتان یکصد و پنجاه میگاوات برق وارد افغانستان میگردد. در حال حاضر انرژی برق مورد ضرورت کابل فوق العاده بالا رفته زیرا از یکطرف مقدار برق مصرفی شهریان کابل، با جابجایی چند ملیون نفوس در پایتخت بلند رفته و از طرف دیگر با فعال شدن یکتعداد کارخانه ها و مراکز تولیدی در پارکهای صنعتی باید مقدار برق تولیدی باز هم بالا برود تا این مراکز به فعالیت های خود ادامه داده بتوانند.

نکته دیگر که مهم و قابل اندیشه است اینکه: قسمت بیشتر انرژی برق در حال حاضر از خارج کشور تأمین میشود، ایالات متحده امریکا حدود هفتاد ملیون دالر برای منظم ساختن سیستم توزیع برق به افغانستان کمک کرده است ازین پول برای کمپیوتری ساختن و تجدید شبکه توزیع

برق در شهر های کابل، کندهار و جلال آباد استفاده میگردد. شبکه برق کابل طی سالهای متمادی بر اثر فعالیت و عدم ترمیم و تجدید فرسوده شده و سبب صنایع شدن یکمقدار برق میگردد. طی سالهای اخیر نزدیک به یک میلیارد دالر از کمک های جامعه جهانی در پروژه های تأمین برق مصرف شده است، یکی ازین پروژه ها، پروژه انتقال برق از ازبکستان بود که با این کار مشکل کمبود برق در ولایات شمال و کابل تا حدودی بر طرف گردید.

بر اساس احصائیه رسمی دولت، سی درصد مردم افغانستان به برق دسترسی دارند. در سال گذشته در فصل زمستان وضعیت برق خصوصاً در شهر کابل خوب بود و مردم در زمستان سالروان نیز انتظار برق دوامدار و بیست و چهار ساعته را داشتند اما قسمی که مشاهده میشود امسال سکتگی ها و پرچاوی هایی در توزیع برق رونما گردیده است. برق وارداتی از کشور ازبکستان تقریباً شصت فیصد انرژی برق شهر کابل را تأمین مینماید. امید در آینده سیستم برق در افغانستان به یک سیستم عصری و مدرن مبدل گردد زیرا موجودیت انرژی برق منظم و دایمی زمینه ساز احیای بخش های صنعتی شده و رشد و انکشاف اقتصادی را در قبال خواهد داشت. ●

مأخذ آمار: بی بی سی

## د اجورې د ټاکلو د نهايي مولديت نظريه ( Marginal Productivity Theory of wages )

ورځ کېږي، نو له همدې امله د مزدورانو د اجورې اندازه په همدې معيار ټاکل کېږي په کوم سره چې په عرضه او تقاضا کې توازن پيدا کېږي، دا خو د مزد د ټاکلو عمومي قانون ؤ. د بېلگې په توگه يوه تصدۍ دومره مزدوران ساتي چې د وروستي مزدور توليد يعنې نهايي توليدي ماليت يې د مروج مزد له اندازې (۱۵۰ سره مساوي شي). کله چې يو متصدي په خپل کاروبار کې د ځمکې او پانگې اندازه ثابته وساتي، نو د مزدورانو شمېر دې يو په يو زيات کړي.

تقاضا ۳۰۰ تنو ته رسېږي، يعنې تقاضا د عرضې څخه زياتېږي، نو ځکه دا اندازه متوازنه او مناسبه نده او د تقاضا د لوړوالي پر بنسټ د مزد اندازه بيرته ۱۵۰ افغانۍ کېږي. د دې برعکس که ورځنی مزد زيات شي (۱۷۵ افغانۍ شي) نو عرضه د مزدورانو ۲۰۰ کسانو څخه تر ۲۵۰ کسانو ته رسېږي او تقاضا کمېږي (۱۲۵ کسانو ته راټيټېږي) يعنې له عرضې څخه تقاضا کمېږي. نو ځکه دا اندازه هم متوازنه نه شي پاتې کېدای، بلکې د تقاضا په کمېدو سره د مزد اندازه بيرته ۱۵۰ افغانۍ في

د هر توليدي عامل د معاوضې اندازه د هغه د مجموعي عرضې او تقاضا د يو ځای کېدو په اساس ټاکل کېږي. د بېلگې په توگه د يو ځانگړي ډول مزدورانو عرضه او تقاضا د لاندني جدول مطابق معلومېږي. کله چې د مزدورانو عرضه ۲۰۰ نفره وي نو تقاضا ئې هم د هغې سره مساوي يعنې ۲۰۰ نفره وي نو ځکه د مزد مناسبه اندازه ټاکل کېږي، يعنې ۱۵۰ افغانۍ د ورځې، خو که اجوره ۱۲۵ افغانۍ شي نو د مزدورانو عرضه د ۲۰۰ کسانو څخه ۱۵۰ کسانو ته کمېږي او د مزدورانو

د مزدورانو د تقاضا شمېر	ورځنی مزد په افغانۍ	د مزدورانو د عرضې شمېر
۷۵	۲۰۰	۳۰۰
۱۲۵	۱۷۵	۲۵۰
۲۰۰	۱۰۰	۲۰۰
۳۰۰	۱۲۵	۱۰۰
۴۰۰	۱۰۰	۱۰۰

خو د نزولي حاصل د قانون لاندې د يو حد څخه وروسته د هر اضافي مزدور نهايي مزد کمېږي نو لهدا تصدې دومره کارکوونکي ساتي چې د وروستي مزدور حاصل يې د مروجې اجورې له اندازې سره مساوي شي، چې د لاندې جدول څخه معلومېږي:

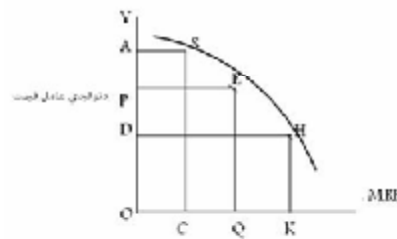
د مزد اندازه	نهايي توليدي ماليت	د مزدورانو شمېر
۱۵۰	۱۸۰	۶۱
۱۵۰	۱۷۰	۶۲
۱۵۰	۱۸۰	۶۳
۱۵۰	۱۵۰	۶۴
۱۵۰	۱۴۰	۶۵
۱۵۰	۱۳۰	۶۶





تاج محمد تمکین د افغانستان بانک د ختيځ زون اقتصاد پوه

توليدې ماليت د اجورې څخه کمېږي، نو کم مزدوران د کار لپاره نيول کېږي. چې په نتيجه کې نهائې توليدې ماليت زياتېږي او د اجورې له اندازې سره مساوي کېږي دا قوانين يوازې د مزدورانو په هکله نه استعمالېږي بلکې د هر توليدې عامل د معاوضې اندازه د هغه نهائې توليدې ماليت سره مساوي وي، د لا وضاحت په موخه يې لاندې گراف گورو:



د توليدې عواملو واحدونه په دې کې MRP د نهائې توليدې ماليت خط ښکاره کوي چې هر څومره توليدې عامل د بېلگې په توگه که چېرې د مزدورانو زيات واحدونه پکار واچول شي د هغوي نهائې توليدې ماليت کمېږي. نو ځکه دا کرښه د کين څخه ښي خوا ته غورځي. اوس که د توليدې عامل قيمت OP وي، نو متصدي بايد د توليدې عامل OQ واحدونه پکار واچوي، ځکه چې دلته د نهائې توليدې ماليت يعني EQ د دې له قيمت يعني OP سره مساوي دي. که د توليدې عامل قيمت ټيټ شي او

OD ته راوړسېږي نو متصدي بايد د دې عامل زيات واحدونه يعني OK پکار واچوي، ځکه چې دلته د نهائې توليدې ماليت يعني KH د هغه د قيمت OD سره مساوي دی. برعکس که د توليدې عامل قيمت لوړ (OA ته ورسېږي) نو متصدي بايد د OC واحدونه پکار واچوي ځکه چې دلته نهائې توليدې ماليت BC د قيمت OA سره برابر دی. نو په ډاگه شوه چې يو متصدي د متحولو توليدې عواملو واحدونه يو په يو زياتوي تر څو د هغه نهائې توليدې ماليت کم او معاوضي سره مساوي شي.

څرنگه چې ښکاره ده، د هر توليدې عامل مختلف واحدونه يو شان دي، د بېلگې په توگه که چېرې هر مزدور په استعداد او اهليت کې له يو بل سره مساوي وي نو ځکه د وروستي مزدور نهائې توليدې ماليت (په تير جدول کې ۱۵۰ افغانۍ) د پاتې ټولو مزدورانو لپاره د اجورې د اندازې معيار ټاکل کېږي او ټولو مزدورانو ته په همدې اندازې سره اجوره يا مزد ورکول کېږي.

### د اجورې د نهائې مولديت په نظريه باندې نيوکې:

د اجورې د ټاکلو په لړ کې پدې نظريه باندې لاندې نيوکې شوي دي:

۱- فرضيه ټي خفيفي دي: دا نظريه په

له دې جدول څخه معلومېږي چې متصدي ۶۰ مزدوران ساتي او دې څخه مخکې د يو مزدور د نهائې توليدې ماليت جائزه اخلي. چې د هر اضافي مزدور پکار اچولو سره هغه کمېږي د دې جدول له کبله به هغه ټول ۶۴ مزدوران ساتي ځکه چې د ۶۴ مزدورانو نهائې توليدې ماليت ۱۵۰ افغانۍ ده او د اجورې اندازه ټي هم ۱۵۰ افغانۍ کېږي. هغه به له دې څخه وروسته بل مزدور نه نيسي ځکه چې د هغه توليدې ماليت کمېږي او ۱۴۰ ته راټيټيږي، خو د اجورې اندازه ټي هماغه ۱۵۰ روپۍ وي. له دې څخه ښکاره کېږي چې يو تصدی دومره مزدوران نيسي چې د هغه د نهائې توليدې ماليت په کمېدو سره د اجورې له اندازې سره مساوي کېږي، که چېرې نهائې توليدې ماليت د اجورې څخه زيات وي. نو ډېر شمېر مزدوران به پکار وگمارل شي او که په پایله کې يې نهائې

ډېرو مفروضاتو ولاړه ده چې په حقيقي نړۍ کې صحيح نه ثابتېږي نو ځکه نظريه هم صحيح نده، د بېلگې په توگه پدې نظريه کې فرض شوي چې:

بازار کې بشپړه سيالي موجوده ده. په مزدورانو کې د ځاې د بدلولو صفت موجود دی يعنې د يو کسب نه بل کسب ته په اسانۍ سره بدلېدای شي.

ټول مزدوران يو شان استعداد او صلاحيت لري. د اجارې او سود اندازه او د نورو توکو قيمتونه په يوه سطحه باندې برقرار نه دي دا ټولې فرضيې په حقيقت کې موجود شوي نه دي، ځکه چې د شاوخوا سيمو اقتصادي حالات ساکن نه دي، بلکې متحرک (Dynamics) دي. د متصديانو او د هغوي د کارمندانو ترمنځ هيڅکله بشپړ رقابت نه وي. د مزدورانو په نکلېدو کې ډير ځنډونه موجود وي ټول مزدوران يو شان استعداد نلري د نورو توليدي عواملو د معاوضې اندازه په يوه سطحه يا نقطه باندې ثابت نوي، نو ځکه دا نظريه په بشپړه توگه صحيح نه ده، خو بيا هم د اندازې د ټاکلو لور ته ميلان پيدا کېږي، نو ځکه تر همدې حده دا نظريه د پاملرنې وړ ده.

۲- د متصديانو اتحاد: ځينې وختونه متصديان په خپله متحد کېږي، ترڅو د مزدورانو استحصال وکړي. پدې صورت کې د هغوي موخه دا وي چې د اجورې اندازه ټيټه کړي او اجوره د نهائې خالص

توليدي ماليت څخه کمه کړي، د دې برعکس مزدوران هم متحد کېږي او د مزد د زياتوالي کوښښ کوي. نو له همدې امله ضروري نه ده چې مزد دې هم د نهائې توليدي ماليت سره مساوي مروج وي، بلکې حقيقت دا دی چې مزدونه هم د متصديانو او مزدورانو د خپل منځي سوداگرۍ په اساس تعينېږي. ۳- د مولديت انحصار: د مزدورانو د نهائې مولديت انحصار د هغوي دخپل استعداد څخه سربېره له ځينو نورو عواملو سره هم اړيکه لري. د بېلگې په توگه په تصدۍ کې استعمالېدونکي ماشين الات، نور اسبابونه، د ادارې چلند، د حفظ او مراقبت حالت او داسې نور دا معاملې د مزدورانو په واک کې نه دي، نو ځکه د هغوي اجوره د نهائې توليدي ماليت سره مساوي نه وي.

۴- د نورو عواملو عرضه: د مزدورانو د نهائې خالص توليد انحصار د هغوي د خپلې عرضې څخه سربېره دا خبره هم کوي چې د نورو توليدي عواملو عرضه د ضرورت مطابق موجوده ده، که د نورو توليدي عواملو عرضه کافي موجوده وي او د کار عرضه کمه وي نو نهائې توليد به زيات وي او په برعکس حالت کې به کمه وي.

۵- د مولديت او مزدونو اړيکه: د مزدورانو نهائې توليد او د مزدونو معيار يو له بل سره تړلې دي. د بېلگې په توگه که د مزدورانو نهائې توليد ټيټ

وي، نو د اجورې اندازه به هم ټيټه وي چې له دې سره به نهائې مولديت او د کار استعداد نور هم کم شي، د ژوند معيار به هم ټيټ شي او د ماستوبي د نظرې مطابق به د مزدورانو عرضه هم کمه شي خو اړونده نظريه د مزدورانو د عرضې له اړخ څخه تېرېږي او هغه ئې ثابت نيولې.

۶- د مزدورانو د نه انتقال قابليت: د مزدورانو نقليدل او رانقليدل کم وي، نو ځکه د نهائې مولديت نظريه په حقيقي نړۍ کې صحيح نه ثابتېږي ځکه چې د نه انتقالېدو يا کمېدو له امله د يو شان استعداد لرونکو مزدورانو اجوره به په مختلفو ځايونو کې مختلفه وي.

۷- د کاروباري حالاتو اغيزې: د دې نظريې مطابق که د مزد اندازه لوړه وي نو متصدي کم مزدوران د کار لپاره نيسي خو حقيقت دا ده که چيرې کاروباري او سوداگريز حالات تر ډېره حده گټور وي، نو په دې وخت کې متصدي د اجورې د اندازې پروا نه ساتي او د زياتې گټې د لاسته راوړلو لپاره زيات مزدوران نيسي.

۸- پيسې د سوداگرۍ اغيزې: لارډ کينز دا نيوکه کړې ده چې دا نظريه يوازې په ساکن حالت کې صحيح ده. ځکه چې د سوډ بازار او سړې سوداگرۍ په وخت کې د اجورې د اندازې د کمولو سره ضروري نه ده چې د مزدورانو تقاضا دې لوړه شي. ●

# ضرورت ایجاد بازار بورس ( بورس اوراق بهادار )



جمال ناصر عضو مدیریت عمومی نظارت بانکها

انتخاب نمایند. فروشندهگان نیز به خریداران بسیاری دسترسی دارند از اینرو هزینه های ارتباطی کمتری را می پردازند. بازار سرمایه نیز مشابه به هر بازار دیگری است اما مهمترین کالای این بازار سرمایه است. همانطور که گفتیم بازار سرمایه بخشی از بازارهای مالی است، بازار سرمایه در مقابل بازار پول جایگاه تأمین دراز مدت سرمایه شرکت هاست، بازار سرمایه زیربنای فعالیتهای تجارتي، صنعتی، دولتی و خصوصی است، بازار سرمایه واسطه ای برای تأمین وجوه دراز مدت به منظور تشکیل دارائی های سرمایوی است و وجوه این بازار از سرمایه گذاران انفرادی و شرکت های سرمایه گذار، بانکها، صندوق ها و دیگر دارندهگان وجوه بدست می آید. وجوه مذکور جهت تأمین مالی طرح های کسب و کار وتوسعه شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار مورد استفاده قرار میگیرد. به عباره دیگر بازار سرمایه مانند بانکها وجوه را از بخشهای دارای مازاد جمع آوری می کنند و آن را به سمت کسانی که نیازمند تمویل مالی هستند هدایت می کند کارآیی بازار سرمایه، حاصل عملکرد بازیگران و نیرو های رقیب در آن است. در کشور های پیشرفته بازار سرمایه و بخصوص بورس اوراق بهادار مهمترین جایگاه تأمین سرمایه واحد های تجارتي و صنعتی است در حالیکه در کشور های کمتر انکشاف یافته چون افغانستان تمرکز تأمین مالی بر سیستم و شبکه بانکی است.

است و به مکانی که در آن عمل داد و ستد انجام می گیرد تالار معاملات بورس گفته می شود.

مشخصات بورس اوراق بهادار عبارت از وجود مکانی مشخص برای داد و ستد سهام، قیمت شفاف سهام و قدرت نقد شوندگی سهام می باشد معاملات خارج از بورس نیز شامل بازار سرمایه اند.

بازار پول:- بازار وسایل و ابزار مالی کوتاه مدت (اکثراً با سر رسید کمتر از یکسال) است وحجم عمده آن اوراق قرضه و اسناد خزانه (Treasury Bills) می باشد ابزار مالی مانند: جواز سپرده (Deposit Certificates) در بازار پول مورد مبادله قرار می گیرد.

انواع دیگری از ابزار مالی به غیر از سهام و اوراق قرضه (مانند قرار دادها و معاملات آتی بروی فلزات گرانبها) وجود دارد، اما اغلب شرکت های تعاونی سرمایه گذاری در سهام و اوراق قرضه (Mutual Fund) سرمایه گذاری می کنند. به همین تر تیب ممکن است یک شرکت تعاونی سرمایه گذار در بازار سرمایه یا بازار پول و یا هر دو فعالیت داشته باشد تفاوت بازار سرمایه و بازار پول از دید سرمایه گذاری عبارت است از:

- بازار پول خطر کمترنسبت به بازار سرمایه دارد  
- در بازار پول نقدینگی بیشتر از بازار سرمایه است

- بازده متناسب با خطر کمتر در بازار پول نسبت به بازار سرمایه البته این موضوع در بازار های مختلف بصورت متداوم ممکن صدق نکند طور مثال: تکتانه بانکی در حال حاضر در بسیاری از کشور ها پائین تر از بازدهی سهام است و بر عکس آن در آینده خواهد بود.

اگر به تفصیل گفته شود، بازار سرمایه در واقع بازاریست که به کمک آن مردم به خرید و فروش کالا و خدمات می پردازند، بازار ها نیاز مند بازیگران و زمان کار مشخص هستند، خریداران در بازار، دارای قدرت انتخاب مناسب هستند و میتوانند ازبین کالای و خدمات بهترین آنها را

قبل ازینکه راجع به ضرورت ایجاد، زمینه ها و چگونگی تأسیس بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار) در افغانستان بپردازم، بهتر خواهد بود که نخست بحث را از بیان مفاهیم بازار سرمایه و بورس اوراق بهادار، آشنائی با قواعد و مقررات بازار سرمایه، اصطلاحات رایج در بورس، پروسه خرید و فروش سهام، آشنائی با مجامع، شرکت ها و سایت های بورس آغاز نمایم تا در پرتو آن تصویر روشنی از اهمیت و ضرورت این شکل تشبث و فعالیت اقتصادی بوجود آید.

در عصر حاضر موجودیت بازار سرمایه یکی از عناصر ضروری و مهم در نظام اقتصاد بازار بحساب میرود زیرا بازار سرمایه بازاریست که به وسیله آن شرکت ها سرمایه مورد نیاز خویش را برای توسعه دراز مدت (معمولاً با سر رسید بیشتر از یکسال) تهیه وتدارک می کنند. این بازار شامل بازار سهام و بازار اوراق قرضه (Obligation) میباشد و با بازار پولی (بانکی) بازار مالی را تشکیل میدهند به عباره دیگر: بازار سرمایه و بازار پولی (بانکی) دو بازوی تشکیل دهنده بازار مالی می باشد. بازار سرمایه از روی نحوه عرضه اوراق بهادار به بازار اولیه و بازار ثانویه تقسیم میشود. بازار اولیه بازاریست که در آن یک ورق بهادار میان سرمایه گذاران توزیع می شود (مانند خرید اوراق مشارکت برای اولین بار از ناشران آن) و بازار ثانویه بازاریست که اوراق بهادار صادر شده در بازار اولیه در آن مبادله میشود مانند: خرید و فروش سهام در بورس کشور های جهان و یا به زبان ساده تر سهام و اوراق قرضه ای که برای اولین بار منتشر میشود از طریق پذیره نویسی در بازار اولیه عرضه میشود و اگر تبدلات میان خریداران و فروشندهگان باشد معمولاً در بازار ثانویه صورت میگیرد. بورس مکانی است که در آن سهام شرکتهای گوناگون تولیدی، خدماتی و سرمایه گذاری داد و ستد می شود، مردم به بازار بورس بازار سهام هم می گویند. اما نام رسمی و قانونی آن بورس اوراق بهادار می باشد که منظور از اوراق بهادار همان اوراق سهام شرکتهای



سرمایه در برگیرنده پول و غیر از پول است اما مفهوم اصلی بازار سرمایه، بازار مبادلات سرمایه ای مانند اوراق بهادار و نیز اهداف سرمایه گذاری افراد و مؤسسات است، مانند: بورس اوراق بهادار. اما بازار پولی مکانیست جهت مبادلات ارزی و پولی اعم از دریافت یا سرمایه گذاری و به منظور تبدیل ارز از آن استفاده میشود.

حالا معلوم شد که سرمایه گذاری در بازار سرمایه یکی از روش های ایجاد درآمد، حفظ و افزایش سرمایه و گمانه زنی اقتصادی می باشد و منافع معین را نیز با خود دارد مانند:

- کنترل نقدینگی در جامعه، بورس اوراق بهادار یک فرصت سرمایه گذاری مطلوب برای سرمایه های اندک ایجاد میکند و زمینه توزیع عادلانه ثروت را مهیا می سازد. مزایای بزرگ و با اهمیت برای جامعه چون: استفاده از پس اندازهای خورد و کوچک شهروندان، هدایت سرمایه های سرگردان، کمک به رشد صنعتی شدن کشور، رشد تولید ناخالص ملی، مهار تورم و... را دارا می باشد.

#### ضرورت، زمینه ونحوه ایجاد بازار سرمایه (بورس اوراق بهادار) در افغانستان!

ضرورت ایجاد بازار سرمایه در افغانستان را نیازمندی شدید به منابع تأمین سرمایه گذاری ها در بخش های اقتصاد ملی و توسعه اقتصادی تشکیل میدهد. باید جایگاه طبیعی بازار اوراق بهادار بمثابة مهمترین منبع تأمین سرمایه واحد های صنعتی تجارتي آنگونه که در اقتصاد بازار معمول است، مشخص شود و ماده دهم قانون اساسی افغانستان مصوب ۲۲ قوس الی ۱۴ جدی سال ۱۳۸۲ دولت، سرمایه گذارینها و تشبثات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آنها را تضمین می نماید اساس معتبر حقوقی در زمینه اهمیت دادن به همچو تشبثات می باشد.

موجودیت انجام معاملات غیر رسمی فاقد استندرد در خرید و فروش اسعار یا تبادل ارز در سرای شهزاده و دیگر مارکیت های صرافیه، جلب پول های شهروندان تحت عنوان حسابهای بخت، قسمت، رویا، خوش نصیب و غیره توسط بانکها بشکل غیر مؤثر و حتی غیر مشروع نامبرد. طوریکه تجربه نیزبه اثبات رسانیده همچو

حسابات باعث شده تا وخامت وضعیت بانک ها را از لحاظ نقدینگی بیشتر بسازد حتی بانکهایی که مشکلات نقدینگی کمتری دارند با یک خبر بد درمورد بانک، مردم با صفوف طولی راتشکیل داده و خواهان برداشت پول های شان میشوند صف بندی ایشان به سایر مردم طوری معلوم میشود که حتی هیچ مرجعی نیست که جلو این بانک ها را بگیرد، با وجودیکه به سطح ریاست جمهوری کشور اطمینان داده میشود که پول

حسابات محفوظ است و اگر بانک نتواند پول هایتان را بپردازد دولت حاضر است که از مردم حمایت بکند. نحوه ایجاد آن میتواند به شیوه های معمول در جهان عملی گردد بورس اوراق بهادار میتواند به شکل شرکت سهامی بر اساس شرایطی تشبثات خصوصی و یا اداره ساخت دولت، مؤسسه عامه باشد. در شکل اولی آن مالکیت از سهامداران و در شکل دومی مالکیت از دولت قرار میگردد. فعالیت



آن بر اساس اساسنامه ای استوار است که ترتیب ایجاد و عملکرد ارگان بورس، ترکیب اعضای آن، شرایط پذیرش و غیره را معین می سازد در رأس بورس کمیته بورس و یا (شورای اداره کنندگان) قرار دارد.

دولت باید قوانین لازم را در زمینه تنفیذ نموده ادارات مربوطه (وزارت مالیه، بانک مرکزی، آيسا، اتاق های تجارت و صنایع، شورای عالی اقتصادی و دیگر مراجع زیربط) در زمینه دست بکار شوند و راه های عملی را پیشکش نمایند. البته قانون بانکداری افغانستان بخصوص ماده سی و سه ام دست بانکها را در انجام بسیاری از امور مربوط به بازار سرمایه و بازار مالی در مجموع باز گذاشته است ولی لازم است به صورت مشخص در زمینه بازار سرمایه (سهام و اوراق قرضه) اقدامات عملی و مقتضی صورت گیرد.

باید صندوق های مشاع و بانکهای خاص سرمایه گذار ایجاد گردد تا بصورت مشخص به معاملات اوراق بهادار بپردازند و بانکهای افغانستان نیز در جلب منابع به جای جلب پول های شهروندان در حساب هایی بنام های بخت، قسمت و غیره که احتمال شانس برد در آن بسیار اندک و برای اکثریت مساوی به صفر است، به نشر اوراق سهام به قیمت های مناسب بپردازند تا به شکل مشروع و عادلانه منافع بانکها و مشتریان تضمین گردد.

شرکت ها و تشبثات نیز در عوض اخذ کریدت ها با نرخ تکتانه بالا از نئرسهام و فروش آن در تأمین و تمویل منابع سرمایه گذاری استفاده نمایند.

سکتور های ترانسپورت هوایی، بانکها، مخابرات و هوتلداری در شرایط موجود از جاذبه های خوب سرمایه گذاری برخوردار اند میتوانند با نشر و فروش سهام افزایش قابل ملاحظه بی در سرمایه و بالا بردن ظرفیت خدماتی شان بوجود آورند.

اتاق های تجارت و صنایع افغانستان باید زمینه های تمرین و آموزش ( Training & Coaching) را برای متششین علاقمند به این بخش از طریق کارشناسان، مربی ها و آموزگاران داخلی و خارجی مهیا سازد.

ایجاد روحیه و ذهنیت مثبت سرمایه گذاری از طریق راه اندازی تبلیغات و اطلاع رسانی در زمینه و در نتیجه ایجاد فرهنگ سرمایه گذاری در

تأسیس بازار سرمایه نقش عمده میتواند داشته باشد.

دولت در ایجاد بازار سرمایه نقش کلیدی را ایفا میکند بخصوص در افغانستان که اقتصاد آن در حالت گذار قرار دارد و نیازمند شدید به منابع مالی می باشد، نقش ناظم دولت در آن فوق العاده بارز می باشد.

هرگاه دولت و سکتور خصوصی بتوانند بازار سرمایه را ایجاد نمایند و اطمینان شهروندان و سرمایه گذاران را در مجموع بدست آورند، آنگاه حتی زمینه خوب سرمایه گذاری های کلان را در عرصه های پرهزینه و یا سرمایه بر مانند: استخراج معادن و سایر عرصه های استراتژییک اقتصادی از منابع داخلی و خارجی را فراهم ساخته میتوانند، که با عملی شدن آن چرخهای اقتصاد از سرعت و رونق بالا برخوردار شده و در هر دور زمینه های اشتغال (کاریابی) و منابع خوب درآمد را به بودجه دولت فراهم می سازد و بصورت تدریجی در درازمدت نه تنها خود کفائی را در بودجه عادی سبب شده، بلکه بودجه انکشافی را از وابستگی کمک ها و قرضه های خارجی آزاد ساخته و باعث ازدیاد درآمد نیز خواهد شد.

برای درک نقش مؤثر دولت و آشنائی بیشتر به موضوع مورد بحث، خالی از منفعت نخواهد بود تا تحت تأثیر دولت بر عملکرد بازار اوراق بهادار و مفاهیم اساسی اشاره داشته باشیم:

#### تأثیر دولت بر عملکرد بازار اوراق بهادار

دولت در استقامت های ذیل بر عملکرد بورس اوراق بهادار تأثیر وارد میکند:

۱- تبارز بحیث ارگان اداری، تنفیذ کننده قوانین بمنظور تنظیم؛

- ترتیب ایجاد شرکت های سهامی؛

- ترتیب نشر و نوعیت جواز به اوراق بهادار؛

- نرخ و اندازه مالیات برعوايد حاصله از عملیات اوراق بهادار؛

- فعالیت بورس، جواز و یا ممنوعیت معاملات جداگانه به اوراق بهادار.

۲- بحیث عامل مناسبات اقتصادی در بازار به هدف بسیج منابع مالی آن عرض وجود نموده، اوراق بهادار دولتی را به جریان می اندازد. مانند

ابلیگیشن (اوراق قرضه) و یکسل های خزانوی (اسناد قرضه کوتاه مدت-۹۰ روز) و غیره.

۳- بانک مرکزی از طریق سیاست پولی کریدتی به وضعیت بازار تأثیرمیگذارد به عباره دیگر: وضعیت اوراق بهادار رابطه مستحکم با وظیفه انتظام مقدار پول در گردش و گسترش و یا خود داری (بند کردن) کریدت دارد، برای اینکه تا ریزرف بانکها را آزاد و یا منجمد کند. بر اساس آن بانک مرکزی در بازار آزاد اوراق دولتی

را خرید و فروش مینماید. برای تنظیم کوتاه مدت مقدار پول، بانک و یکسل خزانوی یعنی اوراق کوتاه مدت را می فروشد و یا می خرد. بعنوان خریداران اینگونه اوراق علاوه بر بانکها، کمپنی های بیمه، بنیاد (فاند) های بازنشستگی و کمپنی های بزرگ وارد میدان می شوند. با بدست اوراق قرضه، آنها قسمت زیاد آنرا توسط چک به بانک های خویش می پردازند. بعداً بانک مرکزی چک را در اختیار این بانک ها قرار میدهد و در ریزرف آنها متناسب به همان اندازه پول کاهش بعمل می آید. در خرید اوراق قرضه از جانب بانک مرکزی ریزرف بانکها افزایش پیدا میکند. خرید و یا فروش اوراق دولتی بر اساس وضعیت مشخص اقتصادی صورت میگردد. مثلاً: هرگاه در کشور اشتغال در سطح بسیار پائین قرار داشته باشد، آنگاه بانک مرکزی اوراق دولتی را از بازار آزاد خریداری نموده و ریزرف بانکها را بالا میبرد. این کار باعث شده تا پول بیشتر در دسترس قرارگیرد و در نتیجه کریدت ارزان و درآمد افزایش می یابد. در نهایت فعالیتهای اقتصادی رونق یافته و موجب ایجاد فرصت های جدید شغلی (اشتغال زایی) میگردد.

بورس اوراق بهادار نیز به سیاست موجود (خرید) بانک مرکزی عکس العمل نشان میدهد. بانک مرکزی میتواند به بانک های دیگر قرضه صادر کند و این را بنام حساب ویکسل (خریداری ویکسل تا قبل از سررسید توسط بانک و یا مؤسسه اختصاصی کریدتی) مینامند. پائین بودن نرخ حساب ویکسل یعنی پرداخت به قرضه بانک حساب ویکسل را توسعه و آنرا افزایش میدهد روزیکه نرخ حساب ویکسل افزایش پیدا میکند، به عباره دیگر بهره (بازدهی) قرضه رشد میکند، نرخ سهام و ابلیگیشن معمولاً کاهش یافته و بر عکس، با پائین شدن حساب ویکسل نرخ

سهام و ابلېگیشن افزایش می یابد.

بورس اوراق بهادار همچنان به نورم وسایل ریزرف که بانکها مکلف اند نزد بانک مرکزی بگذارند نیز واکنش نشان میدهد. بانک مرکزی ممکن به این وسایل شتاب به خرج دهد، تا سرعت کریدت را قطع، نورم را افزایش و یا با گسترش آن، نورم را پائین بیاورد. گسترش کریدت منجر به افزایش دستیابی پول و پائین آمدن تکتانه قرضه میشود. به اثر اینگونه عمل، افزایش کورس سهام و ابلېگیشن با بهره خیلی بلند نشر شده، صورت میگردد. هرگاه نورم ریزرف افزایش یابد، آنگاه دستیابی پول کمتر میشود، نرخ تکتانه قرضه بالا میروود و کورس سهام و ابلېگیشن با بهره خیلی پائین نشر شده، کاهش می یابد. اما در این حالت لازم است تا بدانیم که تنظیم نورم ریزرف بانکها (ذخیره قانونی) که مکلف اند نزد بانک مرکزی بگذارند ابزار خیلی قوی سیاست مالی بحساب رفته، از اینرو با تفاوت از حساب ویکسل و فروش اوراق قرضه کوتاه مدت به همچو عمل بسیار کم متوسل میشود، ممکن یکبار در چند سال این عملیه صورت میگردد.

مجرای دیگر تأثیر گذاری بانک مرکزی در بازار اوراق بهادار میتواند محدودیت در ارایه کریدت به خرید سهام باشد. در امریکا سیستم فدرال، ریزرف دولت را وادار نموده که فیصدی معین از ارزش سهام را تعیین کند که خریدار باید از بابت پول خود بپردازد؛ پول گذاشته شده را میتواند به استفاده کریدت حواله کند.

بازار اوراق بهادار تأثیر ناظم بودن دولتی را در حالت موجودیت کسر بودجه دولتی نیز متحمل میشود. دولت برای یافتن منابع غرض جبران آن دست به نشر اوراق قرضه می زند. در این ارتباط دولت علاقمند به نورم پائین تکتانه قرضه است، تا قرضه را با تکتانه کم جاسازی نماید. عمل بانک مرکزی در کاهش نورم تکتانه با افزایش مقدار پول در دوران ارتباط دارد و افزایش کورس سهام و اوراق قرضه ای با بهره خیلی بلند نشر شده را مساعد میگرداند.

در حالتی، هرگاه در بانک، مؤسسات و شهروندان مقدار زیاد اوراق قرضه با بهره متحول و متغیر موجود باشد، دولت سیاست سهل کریدتی

را بمیان میآورد تا تکتانه قرضه را در سطح پائین نگهدارد در مطابقت به این عمل مانند حالت اولی، به افزایش کورس سهام و ابلېگیشن با بهره خیلی بلند میتواند منجرشود.

مفاهیم اساسی: سهام، ابلېگیشن، نرخ اوراق بهادار، بازار های اولیه و ثانویه اوراق بهادار، بورس اوراق بهادار، معاملات داخل بورس و خارج بورس، شاخص بورس، قیمت اسمی سهم (قیمت اولیه سهام در بازار اولیه)، پرتفولیو portfolio (بمعنای بکس چرمی بزرگ و عبارت از سبد سهامی که برای کاهش خطر سرمایه گذاری تهیه میگردد)، مرجع (مؤسسات معاملاتی که خرید و فروش سهام را انجام میدهد)، حق تقدم خرید (حقیقت قابل انتقال که از زمان خرید سهام جدید توسط صاحبان واحد تجاری به نسبت سهامی که مالک اند به ایشان تعلق میگردد بطور مثال: اگر فردی ۲٪ سهام یک شرکت را دارا باشد در هنگام صدور سهام جدید ۲٪ سهام جدید حق تقدم دارد)، Price to Earning ratio (نسبت میان قیمت و درآمد هر سهم را گویند اگر این نسبت برای یک شرکت بیش از یک شرکت دیگر باشد، نشاندهنده آنست که بازار نسبت به درآمد سهام شرکت در آینده خوش بین است)، شاخص کل (عددی که نشانه بازدهی بازار است و تغییر آن به مثبت و یا منفی نشاندهنده تغییر مثبت و یا منفی کل بازار است)، سود پیش بینی شده Earning Per Share (سود عایدی شرکت در برابر هر سهم که توسط شرکت پیش بینی میگردد. و سود پیش بینی شده در قیمت هر سهم تأثیر مستقیم دارد)، (تعدیل EPS) تغییرات EPS را تعدیل گویند. (رشد آن تعدیل مثبت و کاهش آن تعدیل منفی نامیده میشود)، سود تقسیمی DPS (عبارت از سود پس از کسر مالیات مقابل هر سهم که توسط شرکت پرداخت میگردد). صندوق مشاع Mutual Fund مشاع در لغت بمعنای درهم آمیختن، صندوق سرمایه گذاری مشاع در اقتصاد (بورس) سرمایه گذاری یک شرکت در مجموعه ای از اوراق بهادار (سهام شرکت های داخل بورس، خارج بورس، اوراق مشارکت و...) می باشد که این وسیله سرمایه گذاری توسط افراد تأمین گردیده و پس از کسب سود، برحسب میزان سرمایه افراد، سود تقسیم میگردد، در این

حالت افراد سرمایه گذار دارنده برگ سهام نیستند بلکه برگه مشاع در اختیار دارند. باوجود روحیه دولت محوری مردم افغانستان و گرایش نه چندان به بخش خصوصی در کشور با توجه به اینکه این صندوق بین اقتصاد دولت و بازار قرار میگیرد (از یک طرف تضمین دولت وجود دارد و از طرف دیگر سرمایه ها در بخش خصوصی سرمایه گذاری میشوند) این صندوق میتواند اعتماد بازار را در درازمدت رشد داده و حرکت سرمایه ها را به سمت بازار سرمایه آسان سازد. البته در دراز مدت باید فرهنگ سازی امکان حضور مستقیم سرمایه در بازار را فراهم نمود. صندوق مشاع عمدتاً دو هدف را دنبال می کند: ۱- تأمین هدف خورد ۲- تأمین هدف کلان. در بحث تأمین هدف خورد، با شکل گیری صندوق مشاع ما شاهد جمع آوری نقدینگی راكد از کوچکترین و اساسی ترین عنصر اقتصاد، یعنی افراد خواهیم بود، این هدف با اینکه در ابتدا امری در ابعاد کوچک به منظور مشارکت مردم در سرمایه گذاری و افزایش عدالت از طریق توسعه مالکیت سهام نزد عموم مردم می باشد و در عمق مطلب تأمین کننده هدفی کلان در کشور می باشد که ابتدا موجبات رشد بازار سرمایه بوسیله سرمایه های سرگردان داخلی فراهم گردیده است و از سوی دیگر در صورت رواج این صندوق ها و استقبال مردم، از موضوعات مخربی چون تورم تا حدودی جلو گیری میشود، در نتیجه اگر این هدف خورد باشد ولی اهداف کلان را در پی خواهد داشت. اما در تأمین هدف کلان، با رواج این امر شاهد رشد شاخص های اقتصادی کشور به خصوص رشد بازار سرمایه خواهیم بود که رشد بازار سرمایه رشد هر چه بیشتر اقتصاد را موتور منتج میشود. در سال ۱۹۲۴ برای ایجاد اولین صندوق مشاع Securities Boston زمانی که سه تن از مدیران شرکت سرمایه های شان را باهم جمع کردند، نمیدانستند که ایده مشاع تا چه حد مشهور خواهد شد. ایده جمع آوری سرمایه ها برای سرمایه گذاری در اوسط قرن ۱۹ در اروپا آغاز شد. اولین صندوق جمع آوری سرمایه ها در ۱۸۹۳ برای هیئت علمی پوهنتون هاروارد تأسیس شد امروزه بیش از ۱۰۰۰۰ صندوق مشاع با ارزش بالغ بر حدود ۷ تریلیون دالر در امریکا وجود دارد. ●





که جنگ‌هایی که در تاریخ اروپا به صورت دوره‌ای تکرار می‌شد و مشخصه اروپا محسوب می‌گردید با تشکیل جامعه اقتصادی اروپا (که بعداً اتحادیه اروپا نام گرفت) در دهه ۱۹۵۰ متوقف گردید. آنها همچنین بر این باورند که در اوایل دهه ۱۹۷۰، کشورهای یونان، اسپانیا و پرتغال کشورهای دیکتاتوری بودند، اما علاقه جوامع تجاری این سه کشور به عضویت در اتحادیه اروپا انگیزه‌ای قوی برای برقراری دموکراسی در این کشورها شد. اتحادیه اروپا هیچ مرکز (پایتخت) رسمی ندارد و نهادها و ارگانهای آن در شهرهای مختلف پراکنده است اما بروکسل پایتخت اتحادیه اروپا محسوب می‌شود و محل استقرار کمیسیون اروپا و شورای وزیران است. همچنین محل برگزاری نشستها و جلسات کوچک کمیته‌های کنگره اروپاست و از سال ۲۰۰۴ این شهر میزبان تمامی جلسات شورای استراسبورگ محل استقرار پارلمان اروپا و نیز

گذاری گردید و با معاهده روم در سال ۱۹۵۷ شکل گرفت و در سال ۱۹۵۸ به اجراً گذاشته شد. این اتحادیه بعد ها به جامعه اروپا تغییر نام داد و از یک سازمان تجاری به نهاد مشارکتی سیاسی و اقتصادی مبدل گردید.

اتحادیه اروپا هم اکنون شامل ۲۸ کشور مستقل که مجموعاً ایالات عضو خواننده می‌شوند و عبارت اند از:

اطریش، اسپانیا، استونیا، اسلواکی، اسلونیای، ایتالیا، سوئیس، آیرلند، آلمان، بلجیم، بلغاریا، پرتغال، دنمارک، رومانی، جمهوری چک، فرانسه، قبرس، لوکزامبورگ، پولند، لیتوانیا، مجارستان، هلند و غیره.

در حال حاضر نامزد رسمی برای عضویت در اتحادیه اروپا، کشورهای کرواسی و ترکیه می‌باشد.

حامیان اتحادیه اروپا چنین استدلال می‌کنند که رشد اتحادیه اروپا می‌تواند قدرتی برای برقراری صلح و دموکراسی باشد. آنها معتقدند

پس از فاجعه جنگ جهانی اول و دوم، انگیزه برای تشکیل یک اتحادیه در قلمرو اروپا بیشتر شد و این انگیزه ناشی از تصمیم به بازسازی اروپا و از بین بردن احتمال وقوع جنگ دیگری بود. این احساس در نهایت به شکل گیری جامعه ذغال سنگ و فولاد اروپا توسط کشورهای آلمان، فرانسه و ایتالیا منتهی شد و این امر از طریق توافقات پاریس (۱۹۵۱) میسر گردید.

اتحادیه اروپا یک اتحادیه اقتصادی-سیاسی است که از ۲۷ کشور اروپایی تشکیل شده منشا اتحادیه اروپا به جامعه اقتصادی اروپا که در سال ۱۹۵۷ عقد با توافقنامه بین ۶ کشور اروپایی شکل گرفت، باز می‌گردد. از آن تاریخ با اضافه شدن اعضای جدید، اتحادیه اروپا بزرگ تر شد و در سال ۱۹۹۳، چارچوب این قانون اتحادیه را پایه گذاری کردند.

نخستین اتحادیه گمرکی در ابتدا جامعه اقتصادی اروپا (که به طور غیر رسمی در انگلستان بازار مشترک نامیده شد) پایه

تولید ناخالص داخلی داشته و از تعادل موازنه قدرت خرید استفاده می‌کنند، بزرگترین اقتصاد جهان را داراست. از آنجاست که تعداد کشورهایی که همچنان می‌خواهند به اتحادیه بپیوندند و نیز با توجه به وضعیت اقتصادی کشورهایی که جدیداً به اتحادیه اروپا یکجا میشوند اگر در حال رشد باشند باید ظرفیتی را داشته باشند که با سرعت بیشتری رشد کنند، انتظار می‌رود اقتصاد اتحادیه اروپا ظرف دهه آینده افزایش چشمگیر داشته باشد. شورای اروپا طبق آماري که در سال ۲۰۰۵ آن را منتشر ساخت نشان دهنده آنست که اقتصاد اتحادیه اروپا تقریباً ۵/۱٪ در سال ۲۰۰۵ و ۳/۲٪ در سال ۲۰۰۶ افزایش داشته که از رشد پیش بینی شده بیشتر بوده است.

اتحادیه اروپا در بخش های زراعتی از سیاستی پیروی می‌کند که تولید حداقل میزان محصول تضمین شود تا مردم اروپا همواره غذای کافی برای خوردن داشته باشند و همچنین برای تضمین استندرد زندگی عادلانه برای کسانی که زندگی شان به زراعت وابسته است. این سیاست را به اتهام اینکه دهها سال است تجارت محصولات بخش زراعت را مختل کرده مورد انتقاد قرار می‌دهند.

در حالیکه اتحادیه اروپا به زارعین تضمین می‌دهد که محصولات شان را به قیمتی چندین برابر قیمت بازار جهانی به فروش رساند، تولیدکنندگان جهان سوم بی‌ثمرانه تلاش می‌کنند تا با این بازار ناعادلانه به رقابت بپردازند. این یارانه ها که از مالیه دهندگان اتحادیه اروپا به دست می‌آید، از طرفی استندرد زندگی زارعین را در کشورهای اتحادیه اروپا تضمین می‌کند و از سوی دیگر تهدیدی است برای کار در جهان سوم که احتمالاً به افزایش فقر و سوء

یکبار انتخابات برگزار می‌گردد که شهروندان کشورهای عضو اتحادیه اروپا می‌توانند در آن شرکت کنند و رای دهند. فعالیتهای اتحادیه اروپا اکثراً در بخش های سیاست اقتصادی تا خارجی، دفاع، بخش زراعت و تجارت طبق توافقاتی که در قانون اساسی اروپا وضع شده عملی می‌گردد و باید گفت که قانون اساسی اروپا جامع و با هدف اساسی تدوین یافته است.

در سال ۲۰۰۶، اطریش، بلجیم، قبرس، استونیا، آلمان، یونان، اطریش، ایتالیا، لتویا، لیتوانیا، لوکزامبورگ، مالتا، اسلواکی، اسلونیوا و هسپانیه به قانون اساسی رای مثبت دادند و آن را به تصویب رساندند.

اعضای اتحادیه تلاشهایی زیادی نمودند تا تاریخ گذشته اروپا را که مؤکد اعتبار و هویت ملی اروپاست بازسازی کنند.

باید خاطر نشان ساخت که بسیاری از سیاستهای اتحادیه اروپا با ایجاد و حفظ بازاری واحد و کارآمد مرتبط است. تلاشهای قابل توجهی برای وضع استندرد های هماهنگ صورت گرفته تا مبادلات اقتصادی از طریق ایجاد بازارهای بزرگتر و کارآمد صورت گیرد، چون بازار واحد، ابعاد داخلی و خارجی دارد.

تجارت آزاد کالاها و خدمات در میان کشورها طبق قانون وضع شده شکل رقابتی نداشته و از طریق ارگانهای موظف اتحادیه این بخش کنترل جدی میگردد.

توافقات بین اعضای اتحادیه که درج قانون اساسی اتحادیه اروپا گردیده است امور نظارت بر سرحدات داخلی و نیز هماهنگ سازی امور نظارت بر سرحدات خارجی را بین کشورهای عضو تعیین می‌کند.

اگر اتحادیه اروپا را سازمانی واحد تصور کنیم، این اتحادیه با فهرستی از کشورهایی که در سال ۲۰۰۵، ۱۳۴۲۷۴۱۳ میلیون دالر امریکایی

محل برگزاری نشستهای عمومی سالانه است که ۱۲ هفته به طول می‌انجامد. این شهر همچنین محل استقرار شورای اروپا و دادگاه حقوق بشر اروپاست، این دو نهاد از اتحادیه اروپا جدا شده اند.

لوکزامبورگ: محل استقرار محاکم اروپا، ریاست پارلمان اروپا و بانک سرمایه گذاری اروپاست.

اتحادیه اروپا در سال ۱۹۹۹ واحد پولی مشترکی به نام یورو معرفی کرد که در ۱۶ کشور جایگزین پولهای ملی شده است.

اتحادیه اروپا از واحد پولی یورو استفاده می‌کند اتحادیه اروپا با ۵۰۰ میلیون شهروند ۳۱٪ تولید ناخالص داخلی سال ۲۰۰۷ به اندازه ۱۵۰۸ تریلیون دالر را تولید کرده است، ۲۱ کشور از اعضای اتحادیه اروپا عضویت پیمان نظامی ناتو را دارند.

اتحادیه اروپا در حال حاضر بازار واحد مشترکی دارد که موارد زیر را در بر می‌گیرد: اتحادیه گمرکی، واحد پول یورو که تحت اداره بانک مرکزی اروپاست (تا کنون ۱۶ کشور از ۲۷ کشور عضویت آن را پذیرفته اند)، سیاست مشترک زراعتی، تجارتی و شیلات (شرکت های ماهیگیری).

همچنان سیاست های مشترک خارجی و امنیتی را نیز در بر می‌گیرد و دستگاه های گمرکی نیز در بسیاری از مرز های داخلی برداشته شده و امکان رفت و آمد شهروندان اتحادیه اروپا برای زندگی، مسافرت، کار و سرمایه گذاری در کشور های عضو بیشتر میسر شده است.

مهمترین نهادهای اتحادیه اروپا عبارتند از: شورای اتحادیه اروپا، کمیسیون اروپا، محاکم اروپا، کنگره اروپا، بانک مرکزی اروپا و پارلمان اروپا می‌باشد، از سال ۱۹۷۹ اعضای این اتحادیه توسط نمایندگان کشور های عضو انتخاب می‌شوند. در هر ۵ سال

تغذیه نیز منجر می‌شود.

این سیاست حدود ۳۰ میلیارد پوند در سال (معادل نصف ۶۰ میلیارد پوند بودجه سالانه اتحادیه اروپا) هزینه خواهد داشت مثالی از تلاشهای مشترک برای متناسب ساختن مسائل مالی عبارت است از افزودن ۹ پوند به هزینه غذای هفتگی خانوار ۴ نفره و نیز اینکه درآمد سالانه لبنیات سازی اتحادیه اروپا از نیمی از جمعیت انسانی جهان پیشی گرفته است مشکل دیگر این است که یارانه سبب تولید بیش از نیاز می‌شود.

یکی از انتقادات عمده ای که به اتحادیه اروپا وارد شده، این است که در این اتحادیه برای ۲۷ کشور عضو، ۲۰ زبان رسمی وجود دارد. (هرچند که در کمیسیون اروپا تنها سه زبان کاربرد دارد.) این امر باعث شده که بصورت عملی به ۳۸۰ مترجم برای ترجمه تمامی بیانات به تمامی زبانهای اتحادیه اروپا نیاز باشد.

پارلمان اروپا بیش از ۴۰۰۰ مترجم استخدام نموده که این امر سالانه تقریباً به یک میلیارد یورو ضرورت است. و معمولاً یک هفته طول می‌کشد تا ترجمه ها به زبان تمامی کشورهای عضو انجام شود. یکی از مشکلات این است که گاهی اوقات (به دلیل اینکه برای برخی از زبانها مترجمی وجود ندارد) لازم است ترجمه از طریق یک زبان میانجی صورت گیرد

در نظر است تا با عضویت کشور انگلستان در اتحادیه اروپا با قرار دادن زبان انگلیسی به عنوان زبان رسمی اتحادیه اروپا این مصارف حذف گردد تعدادی نیز پیشنهاد کرده اند که از اسپرانتو به عنوان زبان دوم در اتحادیه اروپا استفاده شود..

از سوی دیگر، بحث دموکراتیکی وجود دارد مبنی بر اینکه تمامی قوانین پیشنهادی باید به زبان ملی اعضای اتحادیه اروپا در اختیار آنها

قرار گیرد. اتحادیه اروپا دستورالعمل هایی را تصویب می کند که در مورد همه کشورهای عضو قابل اجرا است: اگر افراد عادی نتوانند به این اسناد به زبان خودشان دسترسی داشته باشند مناظره و پاسخگویی به شدت مختل خواهد شد.

اشخاص تابع کشورهای عضو اتحادیه اروپا و کسانی که شرایط شان با شرایط آنها مشابه می باشد میتوانند آزادانه در کشور های عضو به انجام تجارت و یا دیگر مشاغل آزاد بپردازند به هر حال این اشخاص باید در ابتدا هدف اقامت خود را در اداره مربوط دولتی ثبت نمایند.

همچنان باید متذکر شد که رهبران اتحادیه اروپا در جریان نشست خود در بروکسل به توافق رسیده اند که برای جلوگیری از تکرار بحران مالی که مناطق یورو را فرا گرفت، تدابیر جدی تری اجرا کنند.

بنا به توافق جدید، اتحادیه اروپا قادر خواهد بود بودجه دولت های عضو را مورد بازرسی قرار دهد و جریمه کشورهایی که بیش از اندازه وام می گیرند و یا هزینه می کنند، اعلام و اعمال خواهد شد.

همچنان یک صندوق دایمی هم تشکیل خواهد شد تا از یورو در دوره های بحران مالی حمایت کند که در این راستا کار خیلی ها جدی عملی میگردد.

به گفته رهبران اتحادیه اروپا تضعیف نظام مالی این مناطق، به این دلیل بوده است که چنین میکانیزمی وجود نداشته است.

مقررات جدید منطقه یورو به گونه ای طراحی شده است که هر کشور اتحادیه اروپا را وادار کند پیش از آن که مشکلات اقتصادی، منطقه یورو را با خطر مواجه سازد وضعیت اقتصادی خود را تحت کنترل داشته باشد.

رئیس شورای اتحادیه اروپا، دستاوردهای نشست اخیر بروکسل را ستوده گفت: ما برای

ثبات مالی کل منطقه یورو، میکانیزمی دایمی، معتبر و مقاوم را توصیه می کنیم.

وزرای اقتصادی اتحادیه اروپا پس از ۱۱ ساعت مذاکره در بروکسل پایتخت بلجیم موافقت خود را با اعطای بسته کمکی ۹۶۰ میلیارد دلاری برای نجات یورو و حمایت از اوضاع اقتصادی کشورهای اروپایی اعلام کردند، هرگاه نیازمند نجات ثبات اقتصادی باشید، از این میکانیزم استفاده شود، قابل یاد آور است که دولت آیرلند درین اواخر درخواست قرضه ۱۰۰ میلیارد یورو را جهت کمک به بانک های آسیب دیده از بحران از اتحادیه اروپا نموده است و کشور های سویدن، انگلستان و صندوق بین المللی پول هم آمادگی خود را در این رابطه ابراز نموده اند، مشکلات مالی آیرلند زمانی تشدید یافت که دولت این کشور در سال ۲۰۰۸ تصمیم گرفت ضرر های مالی تمامی بانک های این کشور را بیمه نماید، از آن زمان تا کنون این کشور بیش از ۵۰ میلیارد یورو برای نجات سیستم بانکی هزینه کرده است، کشور آیرلند تا شروع بحران یکی از ثروتمند ترین و پیشرفته ترین کشورهای اروپایی محسوب می شد هم اکنون به گفته کارشناسان، دست کم چهارسال دیگر ممکن است این کشور بتواند کسر بودجه خود را به حد نصاب اتحادیه اروپا برساند گر چه تاثیر مثبتی در مارکیت جهانی نخواهد داشت با آنهم اتحادیه اروپا و صندوق بین المللی پول در زمینه هوشدار جدی داده اند.

همچنان طبق این کمکها که به مدت سه سال به طول می انجامد، کمیسیون اتحادیه اروپا ۶۰ میلیارد یورو را برای نجات یورو و حمایت از اوضاع اقتصادی کشورهای اروپایی آسیب پذیر تهیه می کند در همین حال ۱۶ کشور اروپایی وعده کمک ۴۴۰ میلیارد یورویی را داده اند. ●

# د CBS سیستم اسانتیاوې

کومې ستونزې ولیدلای شي. مرکزي دفتر کولای شي چې د شپږو واړو زونونو ټولې ورځنۍ معاملې په هره لحظه کې وکتلای شي. د پیسو لېږد له یو حساب څخه بل حساب ته د مرکزي دفتر او شپږو زونونو ترمنځ پرته له کوم بل بڼي سیستم څخه انتقالیږي. د نمایندګیو ترمنځ د انتقالونو د حسابونو تطبیق په اتومات ډول تصفیه او تطبیقېږي. د مصارفاتو د حسابونو انتقال به د کال په پای کې په اتومات ډول سرته رسېږي او خپلو اړوندو حسابونو ته به ډېټ کېږي چې د افغانستان بانک د گټې او تاوان عمومي مالي صورت حساب به جوړوي. همدا ډول د CBS ټیم په دغه لړ کې وکولای شول چې د FX سیستم هم د

بادغیس او زابل څانګې به په نژدې راتلونکي کې د CBS تر پوښښ لاندې راشي. د ارزګان، نورستان او د کابل ښاري څانګې به چې کله د انټرنټ اسانتیاوې هلته برابرې شوې، نو د CBS سیستم به هلته هم فعال شي چې په دې ډول به د افغانستان بانک ټولې څانګې د CBS تر پوښښ لاندې راشي او ټول مالي راپورونه به یوازې د یو مرکزي ډیټابیس څخه اخیستل کېږي. همدا ډول د CBS د ټیم د هلو ځلو په پایله کې د شپږو زونونو ډیټابیسونه د مرکزي دفتر د ډیټابیس سره یوځای (merge) شول چې دغه پروسې لاندې اسانتیاوې منځ ته راوړي. مرکزي دفتر کولای شي چې د شپږو واړو زونونو ټول مالي راپورونه پرته له

د افغانستان بانک د عصري کولو په لړ کې د CBS ټیم وکولای شول چې د CBS پروګرام د د افغانستان بانک په ۳۵ ولایتي او سرحدي څانګو کې پلي کړي، چې په پورته ذکر شوي شمېره کې لاندې څانګې شاملې دي: د افغانستان بانک مرکزی دفتر، کنډز، مزار شریف، هرات، کندهار، ګردیز، جلال آباد، کنړ، لغمان، تورخم، خوست، شرن، غزني، پروان، پنجشېر، کاپیسا، بامیان، لوګر، میدان وردګ، پلخمری، تخار، بدخشان، شیرخان بندر، اندخوی، حیرتان، میمنه، شبرغان، سرپل، سمنګان، اسلام قلعه، تورغونپه، فراه، نیمروز، لشکرګاه او دایکنډی. دغه ۳۵ څانګې د افغانستان بانک د بیلانس شپټ ۹۰٪ برخه جوړوي. د غور،



خو اوس چې د الله(ج) په فضل سره د FX سيستم فعال شو نو د هرې ورځې په پای کې د راکړې ورکړې معاملات د FIFO په طريقه هره ورځ محاسبه کېږي او راپورونه يې په هغه ورځ کتلاي شو او که د افغانستان بانک د تاوان په لور روان وي نو کولای شې چې د دې راپورونو په مرسته تصميم ونيسي او په خپل پولي سياست کې بدلون راولي، چې يوه رښانه نمونه يې تير کال ؤ، چې د افغانستان بانک لويږپوړو چارواکو دا تصميم نيولای ؤ چې د ډالرو نرخ بايد ۴۴ ته راټيټ کړي خو چې کله يې دغه راپورونه ته مراجعه وکړه چې په دې سره به بانک د ډير زيات تاوان سره مخ شي نو په خپل پولي سياست کې يې تغير راوستلو او بانک يې د يو ډير لوړ تاوان څخه وژغورلو. ●

کړې دي. او دغه پروسه به د FIFO (First in First out) په طريقه محاسبه کيدله چې ډير زيات وخت به يې نيولو او بيا به بهرنی کتونکو ته (External Auditors) د دغې پروسې په هکله ډاډ ورکولو يوه بله ستونزه وه چې آيا دغه پروسه په سمه توگه سرته رسيدلې ده او که نه؟ نو وروسته د يوې اوږدې مودې څخه به دا څرگنده شوله چې په تير کال کې د افغانستان بانک په دغه ډول معاملاتو کې څومره گڼه يا تاوان کړې دي او عوامل يې څه وو. د تاوان د مخنيوي لپاره په هغه وخت کې هيڅ ډول پريکړه نه شو کيدله ځکه چې اعداد او ارقام به په لاس کې نه ؤ او مسؤلين به د کال تر پای پورې منتظر ؤ ترڅو ارقام لاس ته راشي او دا معلومه شي چې د افغانستان بانک په دغه برخه کې په څه مالي وضعيت کې قرار لري.

CBS په پروگرام کې ځای پرځای کړي د نوموړي سيستم گڼه د افغانستان بانک ته په لاندې ډول ده:  
لومړی غواړم چې په پخوانۍ پروسې باندې لږ څه رڼا واچوم او بيا به يې د FX د سيستم سره پرتله کړو:  
ټول هغه معاملات چې په هغې کې به د اسعارو تبادلې شامله وه د هغې شمېر به د کال تر پای پورې د ۴۰ زرو نه ۵۰ زرو ته ورسيدل، او بيا به دغه ټول معاملات د سيستم څخه اکسل ته انتقال او د هرې ورځې د تاريخ په اساس به منظم شول، چې په هغې کې به د افغانستان بانک يو څه اسعار پلورلي ؤ او يو څه به يې پيږودلي ؤ. بيا به يې دغه پيږودل شوي اسعار د پلورل شويو په بدل کې معامله کړل، چې په پایله کې به يې دا په ډاگه کړه چې د افغانستان بانک د اسعارو په راکړې ورکړې کې څومره گڼه يا تاوان



# د افغانستان بانک د ختيځې ساحوي هوزې د اقتصادي فعاليتونو د سروې ورکشاپ



دوه مياشتې وروسته به انشاءالله صورت نيسي همکاري وکړي ترڅو د پيسو د يوې بڼې پاليسۍ د جوړولو په موخه گړندي گامونه واخيستل شي. همدا ډول مونږ به لومړيو دريو سروې گانو لپاره همدغه کسان په پام کې نيسو او دوی به په لومړيو دريو سروې گانو کې له مونږ سره مرسته وکړي، ترڅو مونږ وکولای شو د دوی اقتصادي وضعيت په بڼه ډول پرتله او تحليل کړو او يوه بڼه او اسانه نتيجه ورڅخه په لاس راوړو. پټه دې پاتې نه وي کوم معلومات چې اړوندو ښاغلو ډلو زمونږ د پوښتنليکونو د پوښتنو په ځواب کې راکوي، هغه بشپړ محرم دي او هيڅ څوک نشي کولای چې ورته ته لاسرسی ولري. د نوموړې سروې معلومات يواځې په محرمه توگه د پولي سياست امریت، د پولي تگلارې د جوړېدو لپاره استعمالوي. دا سروې داسې نه ده چې



دې اقتصادي سروې د پايلو په درلودلو سره کولای شو چې د خلکو د اقتصادي حالت د زرغونېدو لپاره لازم گامونه واخلو همدارنگه د دې اقتصادي سروې په نتيجه کې د افغانستان بانک د پولي سياست د پيارتمنت کولای شي چې د راتلونکي لپاره يوه بڼه پولي تگلاره جوړه کړي ترڅو وکولای شي په هېواد او خاصه توگه په ختيځ زون کې د قيمتونو ثبات رامنځ ته شي. ترڅو د افغانستان بانک دولت ته د مالي مشاور په توگه د موثوقو احصايو (شمېرو) په راټولولو او دقيقو اقتصادي تحليلونو په نتيجه کې د خو مشورو په ورکولو سره خپله دنده سرته ورسوي.

په دغه اقتصادي سروې کې مونږ د ختيځ زون د اقتصادي قشر څخه مختلفې تشبې ډلې راغونښتي چې پکې ترانسپورت، کروندگر، د فابريکو خاوندان، د ملي پيوستون کارکوونکي، د ودانيزو شرکتونو چلوونکي، د معاملاتو د لارښوونې مسولين، عمده پلورونکي، پرچون پلورونکي او د سوداگريزو بانکونو د پورونو (قرضو) کارکوونکي شامل دي. نوموړې اقتصادي سروې به په هرو دوو مياشتو کې يو ځل کېږي ترڅو مخکنی او اوسنی اقتصادي وضعيت پرتله شي او نتيجه ترې واخستل شي د ټولو محترممو ډلو څخه په درنښت هيله کېږي چې نه يواځې دا ځل بلکې راتلونکي سروې چې

د روان کال د لړم د مياشتې په نولسمه نېټه د افغانستان بانک د ختيځې ساحوي هوزې د اقتصادي فعاليتونو د سروې په هغه ورکشاپ کې چې د جلال آباد ښار د ښاروالۍ په ميلمستون کې د اقتصادي حاکميت او ودې د ادارې په مالي مرسته جوړه شوې وه، په کې د ننگرهار ولايت د مقام مرستيال سرڅېړونکي ډاکټر محمد عالم اسحاقزي، د (ای جی جی آی) ساحوي مديرې مارشيا او د هغې ټيم، د ننگرهار د آيسا د ادارې محترم رئيس ډاکټر مجيب شيرزاد او نور په لسگونو کسانو گډون کړی و.

ورکشاپ د سهار په ۹:۳۰ بجو د قران کريم په څو مبارکو ايتونو سره پيل شو. په سر کې د افغانستان بانک د ختيځ زون ساحوي مسوول الحاج روح الله د ورکشاپ گډوډوالو ته بڼه راغلاست وويلې او د دې ورکشاپ د اهميت په هکله يې هر اړخيز معلومات ورکړل الحاج روح الله زياته کړه:

د افغانستان بانک د ختيځ زون امریت وياري چې د لومړي ځل لپاره په ختيځ زون کې د اقتصادي فعاليتونو سروې سرته رسوي د دې سروې موخه په ختيځ زون کې د خلکو د اقتصادي حالت معلومول دي ترڅو وپوهيرو چې په عامه توگه د خلکو اقتصاد په ختيځ زون کې د پرمختگ په لور روان دی او که نه د ځينو عواملو پر بنسټ وروسته پاتې دی. د

او د سروې په اقتصادي اهميت گډونوالو ته خپل پريزنټيشن وړاندې کړ او همدارنگه نوموړي د افغانستان بانک په وظيفو، د سوداگريزو بانکونو د څارنې په هکله هم گډونوالو ته معلومات ورکړ او د هغوی ځينو پوښتنو ته يې په ورين تندي ځوابونه وويل. نوموړی د سيمه ايزو اقتصاد پوهانو په دندو باندې هم وغږيده او گډونوالو ته يې په دې اړه معلومات ورکړ. د افغانستان بانک د ختيځ زون د اقتصادي چارو کارپوه ښاغلي تاج محمد تمکين هم په تفصيل سره خپل پريزنټيشن وړاندې کړ او د سروې د لړۍ، نوعيت او اهميت په هکله يې خلکو ته بشپړ معلومات ورکړل. هغه د سروې پروسېچر گډونوالو ته تشریح کړ او د هغوي ټولو پوښتنو ته يې ځواب وويل. په پای کې د ننگرهار د آيسا رئيس ښاغلي مجيب شيرزاد د ورکشاپ ارزونه مثبت وگڼله او له وينا سره سم يې ورکشاپ پای ته ورسیده. ●

شو چې د راتلونکي لپاره يوه ښه او گټوره پولي تگلاره ولرو او مونږ به پدغه کار کې دافغانستان بانک د ختيځې ساحوي حوزې سره هره لازمه مرسته وکړو. زه وياړم چې د افغانستان مرکزي بانک د تل لپاره د بيو د ثبات لپاره لازم گامونه پورته کړي دي او دا د دوی برکت دی چې نن زمونږه افغانی يوه با ارزښته کرنسي ده. بله دا چې د افغانستان بانک چې د هېواد مرکزی بانک دی، د پولي تورم د کنټرولولو لپاره هم لازمي کړنې کړي دي، ښاغلي اسحاقزی په دې ورکشاپ کې د هېواد په اقتصاد کې د پيسو د اهميت په اړه په تفصيل سره خبری وکړې او په ټولو سوداگرو او د ښار د اصنافو په مشرانو يې هم غږ وکړ چې د هېواد د اقتصادي ودې او د هېواد قوانينو ته د درناوی په خاطر په خپلو ټولو راکړو ورکړو کې له افغانی څخه، چې زمونږ ملي هويت او د ملي وحدت نخښه ده کار واخلي. د افغانستان بانک د ختيځې حوزې ښاغلي ساحوي مسوول الحاج روح الله د افغانستان بانک د تاريخچې، لاسته راوړنو

تاسو سره ويره پيدا شي چې د حقيقي معلوماتو په ورکولو سره به گوندې په مونږه ماليه زياته شي بلکې د افغانستان بانک تاسو سره ژمنه کوي چې پرته د پولي سياست د آمریت څخه دغه معلوماتو ته کوم وزارت يا کومه بله اداره لاسرسی نشي لرلای او نوموړي معلومات بشپړ محرم دي. ورپسې د ننگرهار ولايت د مقام ښاغلي مرستيال او د ننگرهار ولايت مستوفي سرڅېړونکي ډاکټر محمد عالم اسحاقزي وينا وکړه او د ورکشاپ د اهميت په هکله يې خپلې څرگندونې وکړې، نوموړي وويل:

زه د افغانستان بانک د ختيځ زون د محترم مسوول الحاج روح الله څخه مننه کوم چې تل يې په ختيځ زون کې نوبتونه رامنځ ته کړي دي او د ولس د خدمت لپاره يې هڅې کړي دي. هغه وويل چې د دې ورکشاپ جوړول او په ختيځ زون کې د سيمه ايزو اقتصادي فعاليتونو د سروې پيلول د دې يوه ژوندی بېلگه ده. نوموړي زياته کړه چې د دې سروې په مرسته به په اسانۍ سره وکولای



# فعالیت و سهم گیری زنان افغان در رشد اقتصاد کشور

بدست بیاورند با چالش های زیاد روبرو میشوند در صورت ایجاد مراکز تولیدی از یکسو تعداد زیادی از هموطنان در آن مصروف کار خواهند شد و از جانب دیگر ما می توانیم به قیمت ارزان از تولیدات وطن استفاده نماییم و سرمایه خود را تحویل کشورهای بیگانه ننماییم.



موفقیت های چشم گیری در عرصهء تجارت کسب کرده اند. ناگفته نباید گذاشت که زنان افغان در این عرصه با مشکلات زیادی روبرو هستند که از جمله نبود مواد خام مورد نیاز آنان در داخل کشور میباشد که اگر آنها بخواهند مواد خام مورد ضرورت خود را از خارج کشور

زنان افغان با توجه به نیازمندی های جامعه امروزی دست به فعالیت های بیشماری در عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی میزنند و با این کار، از یکسو حضور خویش را به عنوان نیمی از پیکر جامعه به اثبات میرسانند و از جانب دیگر به دلیل شرایط اقتصادی و مشکلات معیشتی حاضر به پذیرش مسوولیت های اجتماعی در کنار سایر مسوولیت های خانواده گی شده اند. هرچند در طول سه دهه جنگ، زنان متحمل رنج های زیادی شده و بار خشونت و تبعیض از همه بیشتر بر شانه های آنان سنگینی میکند و هنوز هم به دلیل حاکم بودن ذهنیت مرد سالاری زنان به درستی نمیتوانند استعداد های خود را تبارز دهند. در حکومت های قبلی نیز زنان حضور کم رنگی در فعالیت های اجتماعی داشته و زمینه های مناسب برای کسب تعلیم و تحصیل برای آنان مساعد نبوده است اما با ورود هرچه بیشتر زنان در عرصهء اجتماعی، از بحران بی اعتمادی و بدبینی افراد و جامعه در برابر این قشر عظیم کاسته خواهد شد. در حال حاضر زنان در کنار فعالیت های دیگر





داده‌اند در حالی که تعداد کمی از آن‌ها به نانوایی و آرایشگری مشغول‌اند.

تعدادی از زنان در عرصه تجارت هم به کار مصروف‌اند طوری که فعالیت زنان در

عرصه تجارت در افغانستان در حال افزایش است و تا حدودی هم توانسته‌اند وضعیت

کار زنان را از حالت کلیشه ای آن خارج کنند و زنان نیز دلیل روی آوردن به شغل را

فراهم آوری و زمینه استقلال اقتصادی میدانند و هم فکر میکنند که نزدیکان شان

آن‌ها را در پیشرفت کار شان یاری رسانند در حالی که برای ادامه کارهای تجارتي

خود با موانعی از طرف نزدیکان شان رو به رو هستند.

همچنان همه زنانی که به کار تجارت مشغولند به رشد ظرفیت های خود نیاز دارند

طور مثال نیازمند برنامه های تجارتي و آموزش علم تجارت هستند.

نا گفته نباید گذاشت که میزان دستمزد زنان در فعالیت های اقتصادی در افغانستان متفاوت

است و در ادارات دولتي زنان از دسترسى به پست های بالا عموماً محروم‌اند و تعداد

بسیار اندک آنان به پست های دولتي ارتقا

میکند. ●

محمد داود شیر زاده

عضو آمریت عمومی خطرات مالی

کار‌اند. فعالیت های اقتصادی زنان در افغانستان را چهار بخش کار در منزل، کار

در ادارات دولتي یا غیردولتي، صنایع خصوصی و تجارت دربرمیگیرد.

بر همین اساس در عرصه امور منزل از سالیان متمادی زنان عهده‌دار کارهای خانه بوده

طوری که مردان از زنان افغانی بیشتر از ۸ الی ۱۲ ساعت در روز کار میکنند و این در

حالی است که زنان بیشتر از ۱۴ ساعت در روز مصروف امور منزل‌اند.

به این دلیل آن‌ها هرچه بیشتر متکی به مردان شده و طرز تفکر کار در بیرون از منزل و

خودکفایی شان از بین می‌رود. هم‌چنین زنانی که در ادارات دولتي کار

میکند به استثنای معلمان هشت ساعت در روز کار میکنند این در حالی است که آن‌ها

چهار تا شش ساعت دیگر را نیز برای رسیدگی به امور خانه اختصاص می‌دهند.

این نشان‌دهنده آنست که در حال حاضر و با توجه به جو سیاسی حاکم در افغانستان، زنان

بیش از گذشته اشتغال به کار دارند. اما با این همه بخش بیشتر دستمزد این زنان به

خانواده‌های شان تعلق می‌گیرد و در مجموع نقش مثبتی در خانواده ایفا میکنند.

در صنایع خصوصی بیشترین آمار اشتغال به زنان در بخش زراعت و مالداري اختصاص

دارد.

و همچنان زنان قالی‌باف سومین ردیف مشاغل صنایع خصوصی را به خود اختصاص

تا کدام زمان اموال یکبار مصرف چین و یا ممالک دیگر مورد استفاده مردم ما باشد. هر

گاه ما بتوانیم مواد خام مورد ضرورت خود را در داخل کشور تهیه نماییم، مشتریان

زیادی در داخل و خارج از کشور خواهیم داشت.

زنان با سهم‌گیری در عرصه های مختلف اجتماعی ثابت ساخته‌اند که می‌توانند در

کنار مردان در ساختار جامعه نقش برآزنده داشته باشند. دین مقدس اسلام نیز بر حقوق

حقه این قشر جامعه تاکید و از آن جانبداری کرده است و با صدور دساتیر متعدد، جهت روابط

اجتماعی و استقلال اقتصادی زن تاکید کرده است. زنان در کنار مردان خانواده

(پدر، برادر و شوهر) می‌توانند با همت بلند، قوت، توانایی و اراده مستحکم جهت بهتر

نمودن زندگی کار و فعالیت نمایند. ارتقای سطح تحصیل زن در هر خانواده به موفقیت

های بیشتر و دستیابی به مدیریت اقتصادی می‌انجامد زیرا حضور بیشتر زنان تحصیل

کرده در فعالیت های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سایر زمینه‌ها، موجب تأمین رفاه

جامعه می‌گردد.

اکثریت خانم های تجارت پیشه در بخش صنایع دستی مثل: سوزن‌دوزی و قالی‌بافی

اشتغال دارند و در بخشهای زراعت، زیورسازی، مواد خوراکی مانند: ترشی، مربا

و رب بادنجان رومی زنان زیادی مصروف

# اقتصاد و نیاز مندی های خانواده



غلام ربانی امیری عضو تفتیش

داشته باشد و رفع احتیاجات حیات شرعی و قانونی شانرا نموده بتواند. اما در قانون تحرک اقتصادی به مسائلی چون تجربیات، تحقیق، مطالعات، احصائیه های دقیق و کشفیات تدوین میگردد زیرا در نظام اقتصادی، تحرک اقتصادی منحصر به یک فرد یا یک جامعه میشود. یعنی باید کدام تحرک اقتصادی را به خرج دهیم تا بتواند به معقوله معنی واقعی اقتصاد (اقتصاد آن است که از مناسبات تولیدی انسان ها بر طبیعت و اجتماع بحث میکند) واقف گردیم. یعنی به این مفهوم که انسان چطور در اجتماع داخل شود و به چه شکل در طبیعت نفوذ پیدا کند تا با کمترین وقت و کوچکترین مصرف بزرگترین مفاد را بدست بیاورد. این است معنی واقعی اقتصاد که از آن بحث نمودیم پس نظام کامل اقتصادی همان است که این جوانب را در نظر داشته و از آن پیروی کند.

زمانیکه از سیاست های اقتصادی در اسلام صحبت میکنیم باید دو موضوع ذیل را در نظر داشته باشیم و بصورت جداگانه آنها را مورد بحث قرار دهیم. یکی قانون حیات و تحرک اقتصادی مانند قانون عرضه و تقاضا و ... و دیگر آن نیازمندی حیات شرعی و قانونی انسان ها و خانواده میباشد که به این اساس حیات و تحرک اقتصادی یک جامعه شبیه به قوانین طبیعی حاکم و کائنات است. اگر دقت نماییم قانون حیات بر مبنای عدالت اجتماعی استوار است، زیرا در قانون حیات عرعی اقتصادی بطور مختص عواید و مصارف یک انسان یا خانواده به صورت دقیق و همه جانبه تحت تحلیل و بررسی قرار گرفته تا روی عواید یک خانواده و تکافوی آن برای مصارف حیات اقتصادی شان که به آن ضرورت مبرم دارد اقدام عملی روی دست

علاوه بر آن مهمترین قضایایی را که باید به آن توجه داشته باشیم عبارت از قضیه ملکیت و راه های کسب ملکیت و وسایل اقتصادی است که از آن کار گرفته میشود و در ازدیاد عواید یک خانواده و حتی یک جامعه بکار برده میشود. گذشته از آن این قانون اقتصادی جوابگوی وظایف و مسوولیت های حکومت در برابر حیات اقتصادی (عایدات و مصارف دولت و مشکلات اقتصادی) و راه های حل بر مشکلات یک جامعه را مورد بحث و بررسی قرار میدهد. ●



**بزرگترین پروژه عمرانی که در این اواخر در  
ولایت فاریاب تکمیل به بهره برداری سپرده  
شده است اسفالت نمودن جاده ولسوالی  
شیرین تگاب الی قیصار است. جاده مذکور  
بطول ۱۱۰ کیلو متر و با صرف هزینه ۱۸۰ میلیون  
دالر به پایه اکمال رسیده است. با گشایش این  
جاده بروی ترافیک، مشکلات مردم آن  
ولایت تا حد زیادی از نگاه مواصلاتی مرفوع  
گردیده و در قسمت رشد اقتصادی اهالی نیز  
خیلی ها مؤثر خواهد بود.**





Da Afghanistan Bank  
(Central Bank of Afghanistan)

**BANK**

**بانک**

Da Afghanistan Bank (Puplication)

1389  
2010

Issue 42 Fourth Year, December

[www.centralbank.gov.af](http://www.centralbank.gov.af)